



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

برامید خدا

مجموعه‌ای از احادیث، شعر، متن و داستان‌های امید



رحمت پور یزدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به امید خدا

نویسنده:

رحمت پوریزدی

ناشر چاپی:

قدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-----------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۱۱ | به امید خدا |
| ۱۱ | مشخصات کتاب |
| ۱۲ | اشاره |
| ۱۶ | فهرست مطالب |
| ۲۶ | دیباچه |
| ۲۸ | احادیث امیدواری |
| ۲۸ | اشاره |
| ۳۰ | ناامیدی و کفر |
| ۳۱ | اگر امید نبود |
| ۳۲ | امیدوار جوینده است |
| ۳۲ | امید همراه با عمل |
| ۳۳ | تعجب می کنم |
| ۳۳ | به اندازه گمان |
| ۳۴ | امید فقط به خدا |
| ۳۴ | امید به عمل گره خورده |
| ۳۶ | به مردم امید نبند |
| ۳۶ | ناامید از مردم |
| ۳۷ | هر خیری |
| ۳۸ | امید کاذب |
| ۳۸ | ناامید برگشتن |
| ۳۹ | خدا نزد خُوش بین هاست |
| ۴۰ | رحمت خدا |
| ۴۰ | بزرگ ترین بلاء |

- ۴۱ خواهید رسید
- ۴۱ هر لحظه ممکن است
- ۴۲ ناامید مکن
- ۴۲ مگر خدایت
- ۴۳ دانشمند کیست؟
- ۴۳ سردتر از زمهریر
- ۴۴ به اندازه نیت
- ۴۵ ناامیدی و تنبلی
- ۴۵ قاتل خاموش
- ۴۶ ناامید و شکست
- ۴۸ مَثَل های امید
- ۴۸ اشاره
- ۵۰ اگر را کاشتند، سبز نشد
- ۵۰ آدم به امید زنده است
- ۵۱ به اشتهایی مردم نمی شود نان خورد
- ۵۱ پیله کردن
- ۵۱ تا آهن گرم است باید کوفت
- ۵۲ جهان را به امید خورده اند
- ۵۲ حمام بی عرق نمی شود
- ۵۲ حیف بابام بود که مُرد
- ۵۳ خم به ابرو نیاوردن
- ۵۳ خوش آن دل که کاندرا آن نور امید است
- ۵۳ الخیر فی ما وَقَع
- ۵۴ ان شالله گریه است
- ۵۴ این نیز بگذرد
- ۵۵ با توکل زانوی اشتر ببند

- ۵۵ بازش کنی دشته، جمعش کنی مُشته
- ۵۵ باید دید قلم زن چه قلم زده است
- ۵۶ دست شکسته به کار می رود، دل شکسته به کار نمی رود
- ۵۶ بسا مراد که در ضمن نامرادی هاست
- ۵۷ بکار تا درو کنی!
- ۵۷ به هر چمن که رسیدی، گلی را بچین و برو
- ۵۸ پرسید از بد بالاتر چیه؟ جواب داد: بدتر!
- ۵۸ تا ریشه در آب است، امید ثمری هست
- ۵۹ تا هیزم به جاست، آتش نمی میرد
- ۵۹ جای شکرش باقی است!
- ۵۹ حال که ماست نشد، شیر بده
- ۶۰ خدا بخواهد از نر هم می دهد
- ۶۱ خط ننویسد قلم بی شکاف
- ۶۱ در اگر بسته شود، رخنه دیواری هست
- ۶۲ در باغ جهان، یک گل بی خار نباشد
- ۶۲ در پس هر گریه، آخر خنده ای است
- ۶۲ دست ترس زدن از هر مگسی برمی آید
- ۶۳ دیر و زود دارد؛ اما سوخت و سوز ندارد
- ۶۳ ذره ذره پشم قالی می شود
- ۶۳ داری طَرَب کن نداری طلب کن
- ۶۴ دستت را بگیر به زانویت و بگو «یا علی»!
- ۶۴ دنیا به امید برپاست
- ۶۴ دنیا را هر طور ی بگیری می گذرد
- ۶۴ دنیا که آخر نرسیده است
- ۶۵ راه همیشه سر بالا نیست، سر پایینی هم دارد!
- ۶۵ عاقبت، جوینده، یابنده بُود

- ۶۵ غم آن درد که درمان نپذیرد، چه خوری؟
- ۶۵ فردا هم روز خداست!
- ۶۶ روزی می آید اما روزی (رزق و روزی) نمی آید
- ۶۶ زندگی به امید بسته
- ۶۶ شب سمور گذشت و لب تنور گذشت
- ۶۷ شتر دیدی، ندیدی!
- ۶۷ شتری که علف می خواهد، گردن دراز می کند
- ۶۸ عسل در باغ هست و غوره هم هست
- ۶۸ قطره قطره، جمع گردد وانگهی دریا شود
- ۶۸ مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می شود
- ۶۹ عاقبت این شب تاریک سحر خواهد شد
- ۶۹ غیر از مُردن هر کاری چاره دارد
- ۶۹ غیرممکن، غیرممکن است!
- ۶۹ فاشق نداری آش بخوری، نانت را کج بیل کن
- ۷۰ کار نُشد، ندارد!
- ۷۰ آقای خودم، نوکر خودم!
- ۷۱ آن هایی که دویدند و آن هایی که چریدند، هر دو با هم رسیدند
- ۷۱ آینه هر چه دید، فراموش کند
- ۷۲ گذشته ها گذشته
- ۷۲ گوسفند شش ماه چاق است شش ماه لاغر
- ۷۲ ماه همیشه زیر ابر نمی ماند
- ۷۲ ناامیدی کار شیطان است
- ۷۳ نه هر که رفت رسید، نه هر که کشت درود
- ۷۳ هر چه پیش آید خوش آید
- ۷۳ همیشه آسمان آبی نیست
- ۷۴ و گر زمانه نسازد، تو با زمانه بساز!

- ۷۴ هیچ دودی بی آتش نیست!
- ۷۴ یک سال بخور نان و تره، هرسال بخور نان و بزه
- ۷۵ یا رب مکن امید کسی را تو نا امید
- ۷۶ شعرهای امید
- ۹۰ داستان های امید
- ۹۰ اشاره
- ۹۲ اعتماد ابراهیم (علیه السلام) به خدا
- ۹۳ چه کسی تو را نجات داد
- ۹۴ امید چاق است؟
- ۹۵ عابدترین مرد زمین
- ۹۵ از این ستون به آن ستون فرج است
- ۹۶ کس نخازد پشت من، جز ناخن انگشت من
- ۹۷ سببی را که به هوا بیندازی تا برگردد، هزار چرخ می خورد
- ۹۸ اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد
- ۹۹ نیمه ی اول عمر
- ۱۰۰ بهترین جایگزین
- ۱۰۱ امید حتی از اعماق جهنم
- ۱۰۲ امیدوار به آنچه امیدی نیست
- ۱۰۳ امیدت برآورده شد
- ۱۰۳ خوش گمانی به خدا
- ۱۰۴ امید و نشاط کار
- ۱۰۵ امید دروغین
- ۱۰۵ وسوسه ناامیدی دام شیطان
- ۱۰۶ خیر است ان شاءالله!
- ۱۰۸ کتاب های که در زندان نوشته شد (حبسیه)
- ۱۱۰ کتاب نامه

سرشناسه : پوریزدی، رحمت، 1365.

عنوان و نام پدیدآور : به امید خدا : مجموعه ای از احادیث، مثل ها، اشعار و داستانهای امید/رحمت پوریزدی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات قدس، 1399.

مشخصات ظاهری : 91ص.؛ 5/14 × 5/21 س م.

شابک : 978-600-379053-7

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [91]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : مجموعه ای از احادیث، مثل ها، اشعار و داستان های امید.

موضوع : امید -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Hope -- Religious aspects -- Islam

موضوع : امید -- جنبه های قرآنی

موضوع : Hope -- Qur'anic teaching

موضوع : امید-- احادیث

موضوع : Hope-- Hadiths

موضوع : ضرب المثل های فارسی

موضوع : Proverbs, Persian

موضوع : داستانهای مذهبی -- مجموعه ها

موضوع : Religious fiction -- Collections

رده بندی کنگره : BP 250/7

رده بندی ديويي : 297/632

شماره کتابشناسی ملی : 7370542

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

تقدیم به:

امام حسن مجتبی (علیه السلام) و

شهدای غواص و شهدای مرزبان

و

همه ی امیدواران ایران زمین

ص: 3

به امید خدا

مجموعه ای از احادیث، مثل ها، اشعار و داستان های امید

رحمت پوریزدی

ص: 4

فهرست مطالب

دیاچه. 7

احادیث امیدواری... 8

ناامیدی و کفر. 8

اگر امید نبود. 8

امیدوار جوینده است... 9

امید همراه با عمل.. 9

تعجب می کنم.. 9

به اندازه گمان.. 10

امید فقط به خدا 10

امید به عمل گره خورده. 10

به مردم امید نبند. 11

ناامید از مردم. 12

هر خیری... 12

امید کاذب... 13

ص: 5

13.. ناامید برگشتن..

14 خدا نزد خوش بین هاست... 14

رحمت خدا 14

بزرگ ترین بلاء 15

خواهید رسید. 15

هر لحظه ممکن است... 15

ناامید مکن.. 16

مگر خدایت... 16

دانشمند کیست؟. 16

سردتر از زمهریر. 17

به اندازه نیت... 17

ناامیدی و تنبلی.. 18

قاتل خاموش.... 18

ناامید و شکست... 19

مَثَل های امید. 19

اگر را کاشتند، سبز نشد. 20

آدم به امید زنده است. 20

به اشتهایی مردم نمی شود نان خورد. 20

پيله کردن.. 20

تا آهن گرم است باید کوفت. 20

جهان را به امید خورده اند. 21

حمام بی عرق نمی شود. 21

حیف بابام بود که مُرد. 21

ص: 6

خم به ابرو نیاوردن.. 21

خوش آن دل که کاندرا آن نور امید است. 22

الخیر فی ما وَقَعَ. 22

انجام هر راهی، دهی است. 22

ان شالله گریه است. 22

این نیز بگذرد. 22

با توکل زانوی اشتر ببند. 23

بازش کنی دشته، جمعش کنی مُشته. 23

باید دید قلم زن چه قلم زده است. 23

دست شکسته به کار می رود، دل شکسته به کار نمی رود. 23

بسا مراد که در ضمن نامرادی هاست. 24

بکار تا درو کنی! 24

به هر چمن که رسیدی، گلی را بچین و برو. 24

پرسید از بد بالاتر چیه؟ جواب داد: بدتر! 24

تا ریشه در آب است، امید ثمری هست. 25

تا هیزم به جاست، آتش نمی میرد. 25

جای شکرش باقی است! 25

حال که ماست نشد، شیر بده. 25

خدا بخواهد از نر هم می دهد. 26

خط ننویسد قلم بی شکاف. 26

در اگر بسته شود، رخنه دیواری هست. 26

در باغ جهان، یک گل بی خار نباشد. 27

در پس هر گریه، آخر خنده ای است. 27

دست برسر زدن از هر مگسی برمی آید. 27

دیر و زود دارد؛ اما سوخت و سوز ندارد. 27

ص: 7

ذره ذره پشم قالی می شود. 27

داری طَرَب کن نداری طلب کن. 28

دستت را بگیر به زانویت و بگو «یا علی!» 28

دنیا به امید برپاست. 28

دنیا را هر طور ی بگیری می گذرد. 28

دنیا که آخر نرسیده است. 28

راه همیشه سر بالا نیست، سر پایینی هم دارد! 28

عاقبت، جوینده، یابنده بُود. 29

غَم آن درد که درمان نپذیرد، چه خوری؟. 29

فردا هم روز خداست! 29

روزی می آید اما روزی (رزق و روزی) نمی آید. 29

زندگی به امید بسته. 29

شب سمور گذشت و کَبِ تنور گذشت. 29

شتر دیدی، ندیدی! 30

شتری که علف می خواهد، گردن دراز می کند. 30

عسل در باغ هست و غُوره هم هست. 30

قطره قطره، جمع گردد وانگهی دریا شود. 31

مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می شود. 31

عاقبت این شب تاریک سحر خواهد شد. 31

غیر از مُردن هر کاری چاره دارد. 31

غیر ممکن، غیر ممکن است! 31

قاشق نداری آتش بخوری، نانت را کج بیل کن. 32

کار نَشُد، ندارد! 32

آسوده کسی که خر ندارد

*** از گاه و جوش خبر ندارد. 32

آقای خودمَم، نوکر خودم! 32

ص: 8

آن هایی که دویدند و آن هایی که چریدند، هر دو با هم رسیدند. 32

آینه هر چه دید، فراموش کند. 33

گذشته ها گذشته. 33

گوسفند شش ماه چاق است شش ماه لاغر. 33

ماه همیشه زیر ابر نمی ماند. 33

ناامیدی کار شیطان است. 33

نه هر که رفت رسید، نه هر که کشت درود. 34

هر چه پیش آید خوش آید. 34

همیشه آسمان آبی نیست. 34

و گر زمانه نسازد، تو با زمانه بساز! 34

هیچ دودی بی آتش نیست! 35

یک سال بخور نان و تره، هر سال بخور نان و برّه. 35

یا رب مکن امید کسی را تو ناامید. 35

شعرهای امید. 35

داستان های امید. 42

اعتماد ابراهیم (علیه السلام) به خدا 42

چه کسی تو را نجات داد. 43

امید چاق است؟. 44

عابدترین مرد زمین.. 44

از این ستون به آن ستون فرج است. 44

کس نخارد پشت من، جز ناخن انگشت من. 45

سببی را که به هوا بیندازی تا برگردد، هزار چرخ می خورد. 46

اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد. 47

ص: 9

نیمه ی اول عمر. 47

بهترین جایگزین.. 48

امید حتی از اعماق جهنم.. 48

امیدوار به آنچه امیدی نیست... 48

امیدت برآورده شد. 49

خوش گمانی به خدا 49

امید و نشاط کار 50

امید دروغین.. 50

وسوسه ناامیدی دام شیطان.. 51

خیر است ان شالله! 51

کتاب های که در زندان نوشته شد (حبسیه) 52

کتاب نامه. 53

ص: 10

رودخانه به امید دریا، درمان به امید سلامتی، کار به امید دستمزد، عبادت به امید پاداش، هدیه به امید دوستی، فکر به امید نتیجه، خواندن به امید فهمیدن، ورزش به امید تندرستی... همه ی این ها زندگانی آدمی است که با امید جریان دارد.

نوشته ی پیش روی شما گلبرگی از احادیث، مثل ها، شعرها و داستان های کوتاه درباره امید است. هرچند کوچک است اما به قول معروف «اگر آب نمی آورد، کوزه هم نمی شکند، و یا اگر آشت ندهند، کاسه ات را هم نمی شکنند». به هر حال تمام سعی بر این بوده که نور و نعمت امید را در خوانندگان گرمی روشن و بیدار کنیم؛ و امیدواریم دل های ما دریایی تر و امیدوارتر گردد. و از خوانندگان هوشیار و هشیار و امیدوار خواستارم که کاستی ها را بر بنده ببخشایند و مرا از نقدها و پیشنهادهای سازنده محروم نفرمایند.

دل گرم و امیدوار باشید

ryazdi1395@gmail.com

الحمد لله رب العالمین

مهر/1399

ص: 11

قرآن کریم:

وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛

از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند. (1)

کسانی از دریای رحمت و مهربانی خدا ناامید می شوند که قدرت و لطف بی پایان الهی را باور نکرده اند؛ و خدا را قادر و توانا در انجام کاری نمی دانند و این دسته افراد به خداوند بدگمان هستند و لطف خدا را کوچک می شمارند.

درحالی که خداوند خالق بشر، زمین، زمان و ... است و هر لحظه که اراده کند عرش را به فرش و فرش را به عرش می رساند به قول مثل معروف «اگر خدا بخواهد از نر هم می دهد». برای خدای دانا و حکیم هر کاری در هر زمانی و شرایطی

ص: 15

ممکن است و اگر بخواهد می تواند تمام اسباب کاری را آن چنان کنار هم قرار دهد که تمام آفرینش انگشت به دهان بمانند و اساس آفرینش و تمام نیروی های جهان و آنچه در آن و اطراف آن است همگی در خدمت بشر هستند تنها کافی است رشته امید به آفریدگار را محکم نگه داریم تا از برکات و اثرات این نعمت الهی (امید) بهره ببریم. پس ناامید شدن از چنین خدایی سزاوار نیست؛ و تنها افراد کافر، از رحمت بی پایان خداوند ناامید می شوند.

اگر امید نبود

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا؛

امید برای پیروان من رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری کودکش را شیر نمی داد و هیچ باغبانی نهالی نمی کاشت. (1)

تمام کارهای بنی بشر برای این است که امید دارد زنده بماند و زندگانی کند. می خورد و می نوشد به امید فعالیت و تندرستی؛ سعی و تلاش می کند به امید سعادت و آرامش بهتر؛ می خوابد به امید آسایش جسم و روحش؛ بیدار می شود به امید فعالیت و کارش؛ می گوید و می شنود به امید رسیدن به مطلوب و خواسته اش؛ حرکت می کند به امید برکت؛ عاشق می شود به امید همدم و همراز؛ می گذرد و می بخشد به امید اجر و پاداش...

ص: 16

امیدوار جوینده است

امام علی (علیه السلام): کُلُّ رَاجٍ طَالِبٌ؛

هر امیدواری، جوینده است. (1)

جوینده یابنده است. به شرطی که امید به یافتن و پیروزی داشته باشد. نیاز جویندگی تلاش و همت است ولی آنچه آن را سهل و ساده می کند امید است. امید همچون همیار و همکاری است که همواره کمک کار جوینده بوده است و خواهد بود.

امید همراه با عمل

حضرت علی (علیه السلام): در پاسخ به مردی که از ایشان درخواست پند و اندرز کرده بود، فرمود:

چنان کسی مباش که بدون عمل به آخرت، امید دارد و با آرزوهای دراز، توبه را به تأخیر می اندازد. در نکوهش دنیا چون پارسایان سخن می گوید، ولی رفتارش، رفتار دنیا خواهان است. (2) امید تنها و بدون همت و تلاش همانند حساب بانکی بدون پول است. امید با عمل گره خورده است. همان طور که برای گره زدن نیاز به دو بند نخ داریم برای رسیدن به خواسته ها نیز نیاز به امید و عمل داریم. امکان ندارد شخصی بدون عمل به خواسته هایش برسد؛ و این عمل و رفتار او نیز باید مطابق با امیدش باشد.

ص: 17

1- الکافی، ج 2، ص 343.

2- لا تَكُن مِمَّن يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَيَرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولِ الرَّاهِدِينَ، وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ. نهج البلاغه، حکمت، 150.

امید به خدا دارم و کار خدایی می‌کنم؛ امید به خیر و برکت دارم، کار نیک و شایسته می‌کنم... نمی‌شود امید به موفقیت داشته باشم ولی تنبلی و یا رفتاری را انجام دهم که مخالف با امید باشد. امید و عمل نکردن مانند آب و روغن است که قابل جمع نیستند.

تعجب می‌کنم

حضرت علی (علیه السلام): عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْأَسْتِغْفَارُ؛

تعجب می‌کنم از کسی که ناامید می‌شود و حال آنکه سرمایه ای مانند استغفار به همراه او است. (1)

حتی کسانی که گرفتار خطا و اشتباه می‌شوند پنجره امید به روی آن‌ها نیز باز است. خدای مهربان هیچ مشکلی را بدون راه حل قرار نداده است. تا زمانی که خدای مهربان و توانا حاکم و خالق است شایسته نیست از درگاه او ناامید شد.

به اندازه گمان

حضرت علی (علیه السلام): حُسْنُ ظَنِّ الْعَبْدِ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيَّ قَدَرِ رَجَائِهِ لَهُ؛

حُسن ظن بنده به خداوند سبحان به مقدار امیدواری او است. (2)

شخص هر مقدار به خدای دانا و حکیم خوش بین باشد به همان اندازه پاداش دریافت می‌کند و به میزان خوش بینی اش به خداوند راه های موفقیت و سعادت برایش هموار و سهل می‌گردد.

ص: 18

1- نهج البلاغه، حکمت، 84.

2- تصنیف عُرُوذُ الْحَكَمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، ح 3967.

امید فقط به خدا

امیر مؤمنان (علیه السلام): لا تَرْجُ إِلَّا رَبَّكَ؛

جز به پروردگارت امید نداشته باش. (1)

تنها باید به کسی امید بست که آن کس « هشتش گرو نه اش » نباشد؛ و خودش سرچشمه تمام خوبی ها و نیکی ها و دارای همه دانش ها و قدرت ها باشد و چنین شخصی سزاوار نیست جز آفرینده من و تو پس شایسته است جز به او امید نبندیم.

امید به عمل گره خورده

امام علی (علیه السلام): درباره کسی که مدعی امیدوار بودن است. فرمود:

به گمان خود ادعا دارد که به خدا امیدوار است! به خدای بزرگ سوگند که دروغ می گوید، چه می شود او را که امیدواری در کردارش پیدا نیست؟ پس هر کس به خدا امیدوار باشد باید، امید او در کردارش آشکار شود، هر امیدواری جز امید به خدای تعالی ناخالص است و هر ترسی جز ترس از خدا نادرست است.

گروهی در کارهای بزرگ به خدا امید بسته و در کارهای کوچک به بندگان خدا روی می آورند، پس حق بنده را ادا می کنند و حق خدا را بر زمین می گذارند.

چرا در حق خدای متعال کوتاهی می شود؟ و کمتر از حق بندگان رعایت می گردد؟ آیا می ترسی در امیدی که به خدا داری دروغ گو باشی؟ یا او را در خور و شأن امید بستن نمی پنداری؟

ص: 19

1- تصنیف غُرُّ الْحَكَمِ وَ دُرُّ الْكَلَمِ، ح 1338.

امیدوار دروغین اگر از بنده خدا ترسناک باشد، حق او را چنان رعایت کند که حق پروردگار خود را آن گونه رعایت نمی کند، پس ترس خود را از بندگان آماده و ترس از خداوند را وعده ای انجام نشدنی می شمارد و این گونه است کسیکه دنیا در دیده اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، که دنیا را بر خدا مقدم شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نپردازد و بنده دنیا گردد. (1)

کشاورزی و باغبانی که به گرفتن محصول از زمین و باغش امید دارد به آبیاری مرتب و دفع آفات و فراهم کردن تمام مقدمات و وسایل نمو و پرورش محصول می پردازد. اگر باغبان و کشاورزی ادعای چنین امیدی را کرد، ولی در خانه اش نشست و دست به کاری نزد، همه می دانند این یک امید کاذب است؛ خیال امید است، نه امید. امید به لطف پروردگار، هنگامی امید راستین است که همگام با اطاعت فرمان او و قدم گذاشتن در مسیر رضای او باشد.

خوف و رجا یعنی بیم از کیفر و امید به لطف و رحمت خدا، قوی ترین انگیزه حرکت به سوی تقوا و پاکیزگی هاست. هیچ کس بدون این دو نمی تواند در آسمان قُرب حق پرواز کند و به اوج قاف قرب او راه یابد. همان گونه که امید به نتایج لذت بخش پیروزی در امتحان و بیم از آثار سقوط و رفوزه شدن تمام نیروهای یک محصل و دانشجو را برای پیمودن مسیر علوم و دانش ها بسیج می کند، در پیمودن راه معنویت نیز بهره گیری از این بیم و امید ضروری است. (2)

ص: 20

1- نهج البلاغه، خطبه، 160؛ مکارم الاخلاق، ص 8. يَدْعِي بِرَعْمِهِ اِنَّهُ يَرْجُو اللّٰهَ كَذَبٌ وَ الْعَظِيْمُ مَا بِالْهُ لَا يَتَّبِعُن رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ فَاَكُلُ مَنْ رَجَا عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ وَ كُلُّ رَجَاءٍ اِلَّا رَجَاءُ اللّٰهِ تَعَالٰى...

2- ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) ج 6، ص 228.

به مردم امید نبند

امام زین العابدین (علیه السلام): «مَنْ لَمْ يَرْجُ النَّاسَ فِي شَيْءٍ؛ كَسَىٰ كَسَىٰ» کسی که در هیچ کاری به مردم امید نبندد و همه ی کارهای خود را به خدای عزوجل واگذارد، خداوند هر خواسته ای که او داشته باشد اجابت می کند»⁽¹⁾.

چرا پروردگار عالم همه ی دعاها و امیدهای ما را پاسخ مثبت نمی دهد؟ همانند روز آشکار است برای اینکه نگاهمان، قلبمان، فکرمان و امیدمان و تمام اعضا و جوارحمان در خدمت و به دستان ناتوان و سست بنی بشری مثل خودمان است. فلانی کمک می کند! فلانی پارتی خوبی است! به فلانی بگویم حل می شود! فلانی همراه من هست پس مشکلی نیست!... درحالی که غافلیم که فلانی هم بنده خدا است و تا خدا نخواهد آب از آب تکان نمی خورد.

پس برای رسیدن به خواسته ها شایسته است اولاً: جز خداوند را در قلب و فکر و ذهن و رفتار و اعمالمان جای ندهیم و تنها به او دل ببندیم و از او یاری بخواهیم. ثانیاً: با همت و مشورت در آن راه تلاش کنیم.

ناامید از مردم

امام صادق (علیه السلام): هرگاه یکی از شما بخواهد که هر چه از خدا چیزی خواست، خدا به او بدهد، باید از همه مردم ناامید شود و جز به خداوند امید نبندد که اگر

ص: 21

1- ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) ج 2، ص 148.

خداوند عزوجل دانست که او به راستی چنین است هرچه بخواهد به او عطا می کند. (1)

انتخاب با خودمان است می توانیم چشم امید به افرادی مثل خودمان داشته باشیم و همواره کاسه گدایی را در خانه ی انسان های نیازمندی که آنان نیز همچون ما نیاز به آرامش، سلامتی، امید... دارند قرار دهیم تا عزت و شخصیت خود را خدشه دار کنیم و خوار و ذلیل شویم و سرانجام کار نیز معلوم نباشد که آیا خواسته ما را انجام می دهد؟ نمی دهد؟ و چقدر منت می گذارد؟

و یا می توانیم تمام فکر و ذکر و رفتارمان برای خدا باشد و تنها به او تکیه کنیم و تنها از او کمک و یاری بخواهیم. خدایی که وقتی بدهد با عزت و بدون منت می دهد. کامل ترین و زیباترین را می دهد. خدایی که تمام موجودات عالم رزق و روزی را از او می گیرند. خدایی که منبع خیر و برکت است و برکاتش پایانی ندارد. خدایی که صحت و سقم و مرگ و حیات در دست تقدیر اوست. پس نیکوست همیشه در خانه خدا را بزنیم تا لذت واقعی برآوردن حاجت را بچشیم.

هر خیری

یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ؛

ای که برای هر خیری به او امید دارم. (2)

ص: 22

1- الکافی، ج 2، ص 148. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَسْأَلْ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ وَلَا يَكُنْ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ.

2- الکافی، ج 2، ص 582.

شعار افراد امیدوار است. آنان که همواره این ذکر را در گفتار و رفتارشان نمایان است؛ و همه ی خیر و برکت را از او می خواهند و می دانند آنچه خدا برایشان رقم زده است. پُر از خیر و سعادت است. از این رو کارهایشان را منظم و در راستای دستورات الهی انجام می دهند و همیشه نیز در انتظار باران رحمت و نسیم مهرورز الهی هستند؛ و خدای کریم و بخشنده نیز این انتظار را دست خالی برنمی گرداند.

امید کاذب

امام باقر (علیه السلام): **إِيَّاكَ وَ الرَّجَاءَ الْكَاذِبَ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي الْخَوْفِ الصَّادِقِ؛**

از امید دروغین بپرهیز که تو را گرفتار ترس حقیقی می کند. (1)

امید بدون عمل. دروغی بیش نیست. تنها امید در پرتو عمل است که رنگ می گیرد و رشد می کند و شخص را به سعادت و خوشبختی می رساند. ماشین بدون سوخت، انسان بدون غذا، انتظار بدون عمل، درد بدون درمان، موفقیت بدون گام برداشتن، رسیدن بدون حرکت، ثروت بدون تلاش... همگی دروغ است و دروغ آدمی را گرفتار پوچی و نیستی می کند. پس امیدی نتیجه بخش است که همراه با عمل باشد. سوخت را می زخم به امید مسافرت، غذا و دارو را می خورم به امید سلامتی، حرکت می کنم به امید رسیدن...

ناامید برگشتن

امام علی (علیه السلام): **اجْعَلُوا كُلَّ رَجَائِكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَلَا تَرْجُوا أَحَدًا سِوَاهُ فَإِنَّهُ مَا رَجَا أَحَدٌ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا خَابَ؛**

ص: 23

هر چه امید دارید، به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبنیدید؛ زیرا هیچ کس، به غیر خداوند متعال امید نیست، مگر آن که نوید بازگشت. (1)

آدم‌ها هر اندازه قوی و موفق باشند باز هم ظرفیت و توانایی محدودی دارند و قادر نیستند تمام خواسته‌های خود و دیگران را پاسخ دهند. از این رو باید به کسی تکیه کرد و امید بست که سرچشمه قدرت و دانش باشد. نباید فراموش کرد که آدم‌ها وسیله و رابط هستند تا ما را به مقصد برسانند و آن که یاری دهند و راهنمایی کنند و سبب ساز است خداوند است که اسباب پیروزی را فراهم می‌کند.

خدا نزد خوش بین هاست

امام رضا (علیه السلام): أَحْسِنُ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنَّ خَيْرَ فَخَيْرٍ وَإِنَّ شَرَّ فَشَرٌّ؛

من نزد گمان بنده مؤمن خویش هستم، اگر به من خوش گمان باشد، به خوبی با او رفتار می‌کنم و اگر به من بدگمان باشد، به بدی با او رفتار می‌کنم. (2) و (3)

افراد مؤمن و موفق همواره و در هر شرایطی به خداوند حُسن ظن دارند و یقین دارند که آنچه خدا برایشان رقم زده است. بهترین سرنوشت است. چرا که خداوند

ص: 24

1- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح 3861.

2- بحارالانوار، 67، ص 385.

3- علامه مجلسی در تفسیر حدیث فوق می‌فرماید: معنای جمله فوق این است که من به هنگام خوش بینی بنده ام در حسن عملش و سوء عملش هستم. چون کسی که حسن عمل دارد، حسن ظن دارد و کسی که عمل بدی دارد، گمان بدی هم دارد. مرآت العقول، ج 8، ص 45.

کریم تر از این است که افرادی به او خُوش گمان باشند و او نیز آن‌ها را پاداش نیک ندهد. از این رو چنین افرادی وظیفه خود را با امید و به نیکوترین شکل انجام می‌دهند؛ و به نتیجه رسیدن مثبت آن نیز یقین و باور دارند.

در هر صورت در انتخاب سعادت و شقاوت خویش خودمان نقش داریم. می‌توانیم آینده و زندگی را روشن و زیبا بینیم و می‌توانیم آن را تیره و تاریک سازیم؛ و آنچه مهم است این است که خدا همیشه هوادار خُوش بین‌های عملی است. نه خُوش بین‌های توخالی. هر چند لطف و فضل خدا نیز شما آنان نیز می‌شود و هر کس به اندازه خودش نتیجه اش را می‌بیند.

رحمت خدا

امام علی (علیه السلام): الرَّجَاءُ لِرَحْمَةِ اللَّهِ أَنْجَحُ؛ امید به رحمت خدا پیروزی بخش‌تر است. (1)

نتیجه‌ی حرص و طمع داشتن به رحمت بی‌پایان الهی کامیابی و پیروزی دل‌نشین و شیرینی است که هرگز طعم خُوش آن را از یاد نخواهیم برد. از جاهایی که حرص و طمع نیکوست، بحث امید است. هر آن‌کس حریص‌تر در امید باشد به همان اندازه موفق‌تر است. به یاد داشته باشیم اگر بنده دهد منت هم دهد ولیکن اگر ارباب دهد بی‌نهایت و باعزت دهد.

بزرگ‌ترین بلا

امام علی (علیه السلام): أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ؛

ص: 25

بزرگ ترین بلاء قطع امید است. (1)

برخی آدم ها بلاء و سختی و مصیبت را در مرگ، فقر و بیماری می دانند حال آنکه نزد مردان موفق و پیروز بلاء یعنی ناامید شدن از درگاه رحمت و لطف بی حد و مرز الهی است. بزرگ ترین بلاء از آسمان نمی بارد بلکه بزرگ ترین و سخت ترین بلاء از درون آدمی می جوشد؛ و آن ناامیدی است. در حالی که لایق و شایسته آدمی نیست جز امیدوار بودن و این در شأن و مقام انسان های امیدوار و خوش بین است.

خواهید رسید

امام علی (علیه السلام): إِنَّكُمْ إِنْ رَجَوْتُمْ اللَّهَ بَلَّغْتُمْ آمَالَكُمْ وَإِنْ رَجَوْتُمْ غَيْرَ اللَّهِ خَابَتْ آمَائِكُمْ وَآمَالِكُمْ؛

به راستی اگر شما امید به خدا داشته باشید به امیدهای خود خواهید رسید و اگر به غیر خدا امیدوار گردید آرزوها و امیدهای شما ناامید شود. (2)

چه خوب است از همان آغاز کار نزد کسی برویم که آبرو و عزتمان را حفظ کند و آدمی را شرمنده و کوچک نسازد.

هر لحظه ممکن است

امام علی (علیه السلام): لَرُبَّمَا قُرْبَ الْبَعِيدِ وَبَعْدَ الْقَرِيبِ؛

ص: 26

1- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح 1323.

2- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح 3771.

هرآینه ممکن است دور نزدیک گشته (نباید ناامید شد) و نزدیک دور گردد (که نباید فریب خورد). (1)

لحظه به لحظه باید امید داشت چراکه عالم عالم اسباب است و خدا را چه دیده ای هرلحظه ممکن است توفیق یار شما شود و شما را به نوک قله سعادت و سربلندی برساند و ثانیه به ثانیه باید مراقب بود فریب نخوریم و غافل گیر نشویم چراکه همان طور منتظر آینده ای روشن هستیم ممکن است سرمایه عمر و آنچه در اختیار داریم را از دست بدهیم. پس نباید دل بست. بلکه باید با امید و همت و پشتکار عمل کرد و کار را به مُدبر و کاردان هستی سپرد.

ناامید مکن

امام علی (علیه السلام): مَنْ رَجَاكَ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلْ؛

هر که به تو امیدوار بود امید، آرزویش را نوید مساز. (2)

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن *** به دمی (3) یا درمی یا قدمی یا قلمی (4)

از ویژگی انسان های موفق دست گیری و کمک به دیگران است.

مگر خدایت

امام علی (علیه السلام): لَا تَرْجُ إِلَّا رَبَّكَ؛

ص: 27

1- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح 2340.

2- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح 10304.

3- سخن.

4- پوریای ولی.

امیدوار مباش مگر به پروردگار خود. (1)

خدایی که ما را به بهترین شکل و زیباترین و قدرتمندترین صفات نیک آفریده و به تمام خوبی‌ها و کاستی‌های ما آگاه است و خیر و شر ما را از هرکسی بهتر و دقیق‌تر می‌داند و هیچ نفع و سودی برای خودش نمی‌خواهد چرا از او کمک و یاری نجویم؟ آیا رزق و روزی را غیر از او کسی دیگر می‌دهد؟ آیا او قادر و توانا بر انجام هر کاری نیست؟

دانشمند کیست؟

امام علی (علیه السلام): فقیه به تمام معنا، کسی است که مردم را از رحمت خدا نومید نگرداند و از فضل و بخشایش خدا، مأیوسشان نسازد و از مکر و عذاب خدا هم آسوده خاطرشان نکند. (2)

نیکوترین پرواز، پرواز با دو بال امید و ترس است. امید به اینکه دست خدا با من است و همیشه کنارم هست. ترس به اینکه کاری نکنم که دست و یاری خدا از من جدا شود؛ و تنها و بی کس بمانم.

سردتر از زمهریر

امام صادق (علیه السلام): الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ أَشَدُّ بَرْدًا مِنَ الزَّمْهَرِيرِ؛

نومیدی از رحمت خدا، سردتر از زمهریر است... (3)

ص: 28

1- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح 1338.

2- نهج البلاغه، حکمت، 90. الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.

3- خصال، ج 2، ص 348. صفات هفت گانه.

زمهریر: سرمای سخت و شدید. روح ناامیدی آدمی را سرد و خشک و بی روح می کند. فرد ناامید حرکت و تلاشی از خود ندارد. مرده متحرک و علف خشکی است که تنها همچون تخته سنگی وجود دارد و دیگر هیچ.

ولی روح امید به خدا، گرم، پرهیجان و پرحرارت است. هرکجا و هر زمان روح امید دمید هزاران شکوفه و نوبهار زیبا از کنارش روید و به ثمر نشست. کسانی که روح امید به خدا را دارند در حقیقت معدنی از نیروهای مثبت الهی و حامل انرژی مثبت هستند و همواره نیز به دیگران گرمی و امید و نشاط و زنده بودن می دهد.

به اندازه نیت

امام علی (علیه السلام): بدان که آن کسی که خزانه های آسمان ها و زمین در دست اوست به تو اجازه دعا کردن داده و اجابت نمودن آن را ضمانت کرده است " پس مبادا تأخیر در اجابت او تو را نومید گرداند؛ زیرا که دَهِش به اندازه نیت بستگی دارد. (1)

شخصی تعریف می کرد دوست داشتم شغلی داشته باشم که روزانه پول فروان به دستم بیاید؛ و به طوری که مشغول شمردن پول ها شوم. از این رو متوسل به امام رضا (علیه السلام) شدم و دعا کردم و از حضرت خواستم تا چنین شغلی به من بدهد. از قضا الهی و لطف امام رضا (علیه السلام) در استخدامی بانک قبول شدم و کارمند بانک شدم؛

ص: 29

1- نهج البلاغه، نامه 31. اعْلَمَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَتَكَفَّلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ *** فَلَا يَقْنَطَنَّكَ إِبْطَاءُ إِجَابَتِهِ؛ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ.

والان روزانه پول های فراوانی به دستم می رسد و می شمارم ولی ای کاش وقتی که از امام رضا (علیه السلام) چنین شغلی را خواستم می گفتم آقا جان پول ها مال خودم باشه نه مال مردم!

ناامیدی و تنبلی

امام علی (علیه السلام): فِي الْقُنُوطِ التَّغْرِيطُ؛

نومیدی، باعث کوتاهی در عمل می شود. (1)

افراد ناامید، به دلیل کوتاهی همت و تنبلی همیشه در کارهایشان عقب هستند. هیچ گونه نشاط و انگیزه ای ندارند. بیشتر کارهای این گونه بشر ناقص و ناتمام است؛ و کوله بار خود را در میان راه رها می کنند و به مقصد نمی رسند چراکه خود را لایق و شایسته خوبی ها نمی داند؛ و نیز به کمک و یاری خدا نیز اعتمادی ندارد. و یکی از دلایل مهم تنبلی نبود انگیزه و امید است.

ولی افراد امیدوار، به دلیل بلندهمتی و تلاش و کوشش، همواره در اوج قله های سعادت پرچم موفقیت خویش را به اهتزاز درمی آورند. و در راه رسیده به هدف نهایت امید و همت را دارند؛ و پله پله، قلاب امید خود را تیزتر می کنند تا به اهداف بهتر و بلندتری دست یابند و به یقین، خداوند نیز یاور آن هاست.

قاتل خاموش

امام علی (علیه السلام): قَتَلَ الْقُنُوطُ صَاحِبَهُ؛

ص: 30

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 83.

چه بسا افرادی زیادی که ثروت و موقعیت و شرایط پیروزی و تندرستی را داشتند اما تنها به دلیل ناامیدی شکست خوردند و خود را به دره هلاکت کشاندند. و چه بسا افرادی که آه در بساط نداشتند تا سودا کنند و به نان شبی محتاج بودند و لکن با امید و همت خودشان را به نوک قله‌ی سعادت و خوشبختی رساندند؛ و خود را از فقر بیچارگی و مرگ نجات دادند. چه افرادی که با یک بیماری ساده از دنیا رفتند ولی چه افرادی نیز که با برخی بیماری‌های ناشناخته دست و پنجه نرم می‌کنند ولی روحیه امید به خدا را در خود زنده نگه می‌دارند و می‌توانند به اهداف خود به بهترین شکل دست یابند.

ناامید و شکست

امام علی (علیه السلام): كُلُّ قَائِلٍ آيِسٌ؛

هر ناامیدی ناکام است.

روشن است که هر که دم از ناامیدی بزند و همواره در حال شکوه و گلایه باشد. این فرد گرفتار و زمین گیر خواهد شد و روی تندرستی و کامیابی را نمی‌بیند.

ولی روشن تر از آن این است که هر که دم از امید بزند. همواره آسمانی و آسمان گیر می‌شود؛ و روحش در اوج خوشبختی و نیک بختی پرواز می‌کند؛ و لحظه به لحظه به پر و بال توفیق و کامیابی خویش می‌افزاید.

ص: 31

مَثَل‌های امید

اشاره

ص: 33

اگر را کاشتند، سبز نشد

اگر را کاشتند، سبز نشد.

اگر را با مگر ترویج کردن *** از ایشان بچه ای شد کاشکی نام

(1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین می فرماید: **إِيَّاكَ وَاللَّوَّ فَإِنَّ اللَّوَّ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ**؛

پرهیز از اگر گفتن که اگر گفتن گره از کار شیطان می گشاید. (2)

امید را با «اگر و مگر» گره زن. اگر رئیس بودم، اگر ثروتمند بودم، ای کاش فلان شغل را داشتم... این ها را ببوسید و کنار بگذارید به فکر آینده و حال باشید و بهتر است امید را با «تلاش و همت» گره بزنید.

آدم به امید زنده است

چه عاملی باعث درمان بیماری ها و خوردن دارو است؟ چرا در مسابقات شرکت می کنیم؟ چرا ازدواج می کنیم؟ چرا مسافرت می رویم؟ چرا سرمایه گذاری

ص: 35

1- قند و نمک، ص 71.

2- کنز العُمال، ج 3، ص 659، ح 8385. به نقل از کتاب ماه و آب.

می‌کنیم؟ چرا خانه می‌سازیم؟ همه این‌ها به دلیل داشتن امید به زنده بودن است. اگر از آدمی زاد امید را بگیرند زندگی اش متوقف می‌شود و نابود می‌گردد. پس امید لازمه‌ی زندگی است.

به اشتهایی مردم نمی‌شود نان خورد

هیچ‌گاه به امید دیگران تکیه نکن. خودت آقای خودت باش و به خدای روزی رسان امیدوار باش.

پيله کردن

برای رسیدن به موفقیت و پیروزی باید اهل سماجت و اصرار باشید. هرگاه دنبال کاری رفتید همانند «کنه» به جان آن کار بچسبید و رهاپش نکنید؛ و پيله ابریشم خود را به دور کار ببندید و آن را تسلیم و رام خود گردانید. به یاد داشته باشید تنها افراد امیدوار می‌توانند اهل سماجت و کامیابی باشند.

تا آهن گرم است باید کوفت

(تا تنور گرم است باید نان را چسبانند) نگذارید همانند ابر فرصت‌ها از دست شما برود. سارق فرصت باشید. حتی به کوچک‌ترین فرصت نیز چشم امید بدوزید. با امیدواری در کمین فرصت باشید و آن را به موقع و صحیح به دست آورید.

ص: 36

جهان را به امید خورده اند

تا حالا دوران کودکی آدم های ثروتمند و موفق را خوانده اید. تعداد قابل توجهی از آن ها فقیر و تنها بودند و لکن الآن آقای خودشان شدند و به دیگران امر و نهی می کنند و جهان را به راحتی خورده اند. چراکه امید به خوردن داشتند؛ و ناگفته پیداست که فرق است بین امید و حرص و آز. شایسته است قبل از خوردن دنیا، هدف از خوردن را روشن کنیم. تا دنبال چیز بی ارزش و کم اهمیت نباشیم. اگر دنیا را خوردی و در کنارش به دیگران خوردندی و دیگران را بهره مند کردی پس بدان این بهترین نیت است و حتماً خداوند نیز هوادار چنین نیتی است.

حمام بی عرق نمی شود

انتظار نداشته باشید پاداش بدون زحمت بگیرید. در راه امید به زندگانی سختی و فراز و نشیب نیز هست با سختی ها کنار بیایید و یا راه حلش را بیایید.

حیف بابام بود که مُرد

برگذشته ها صلوات بفرستید و غم و غصه آن را ننوشید و نخورید. نه تنها به فکر آینده باش بلکه از همین حال نیز کمر همت را ببند و در کنار امید به خدای دانا و مهربان کارت را بپشتکار دنبال کن.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): می فرماید: لَا تَأْسَ عَلَي مَا فَاتَ؛

اندوهگین مشو بر آنچه فوت شده است. (1)

ص: 37

خم به ابرو نیاوردن

پایدار و استوار و امیدوار در برابر سختی‌ها باشید. با امید به آفریدگار هستی «م» مشکلات را بردارید تا مزه شیرین «شکلات» زندگی را بچشید.

خوش آن دل که کاندلر آن نور امید است

خوش آن دل که کاندلر آن نور امید است. (1)

خوش به حال کسانی که نور امید در وجودشان می‌درخشد و قلب و دلی پاک و پرنشاط و امیدوار دارند و غافل نشوید که این دل می‌تواند دل من و تو باشد؛ و آن نور نیز نور امید به خالق من و تو باشد.

الخير في ما وقع

کسی که برنامه‌ای برای کار و زندگی‌اش ریخته اما حساب‌هایش درست از کار درنیامده و بدون این که خودش بخواهد کارها جور دیگری پیش رفته، با گفتن این مثل به خودش دل‌داری و امید می‌دهد و به آنچه رضای خدا بوده تسلیم می‌شود.

انجام (2) هر راهی، دهی است.

برای تشویق ناامید و ادامه کار و تلاش استفاده می‌شود. هر کاری را که آغاز کنیم پایانی دارند پس تا پایان راه برو و همراه خوبی برای کارهایت باش.

ص: 38

1- پروین اعتصامی.

2- آخر، پایان.

مردی در تاریکی روشنی صبح از حمام بیرون آمد از قضا سگی توی آب جست و سرپای او را نجس کرد مرد که نمی توانست دوباره به حمام برود گفت: سگ نبود ان شالله گربه بود و نجس نبود؛ و دوباره نباید حمام بروم.

جالب است باینکه می داند موضوع چیست ولی خودش را به نادانی می زند. سختی ها هرچند سخت و محکم باشند. نمی تواند رشته افکار را به دست بگیرند. فرد امیدوار همیشه راه حلی را می یابد و تسلیم هیچ چیز نمی شود. اگر مشکلات با شما کنار نمی آیند شما با آن ها کنار بیایید؛ و همچنان با امید و پشتکار روبه جلو حرکت کنید.

این نیز بگذرد

می گویند پادشاهی دستور داد برای او انگشتی بسازند و روی نگین انگشترش جمله ای بنویسند. جمله ای که شاه هر وقت شادمان است با دیدن و خواندن آن غمگین شود و هر وقت غمگین است، با دیدن آن شاد شود.

انگشتر سازها، انگشترهای زیبایی ساختند و جمله های زیبا و پر معنا و جالبی روی نگین ها نوشتند؛ اما هیچ کدام مورد قبول واقع نشد. تا این که پیری دانشمند، انگشتری معمولی آورد که روی آن نوشته شده بود: «این نیز بگذرد».

هنگامی که کسی از مشکلات و گرفتاری های روزمره زندگی، سخت دل تنگ و ناامید و افسرده باشد، از این مثل استفاده می کنیم و به او یادآوری می کنیم که همه چیز در حال تغییر و گذران است و هیچ چیز ثابت و پایدار نیست. (1)

ص: 39

با توکل زانوی اشتر ببند

گفت پیغمبر به آواز بلند *** با توکل زانوی اشتر ببند(1)

برای موفقیت در هر کاری، باید زحمت کشید و تلاش کرد و به خدا امیدوار بود و توکل به خدا بدون سعی و تلاش، نتیجه ای نخواهد داشت. فرد امیدوار همیشه امیدش را با همت و پشتکار همراه می کند.

بازش کنی دشته، جمعش کنی مُشته

آرزوهای انسان پایان ناپذیر است. باید به فکر عملی بودن آرزوها هم بود تا به یاس و ناامیدی دچار نشویم.(2) به هر چیز امید دارید آن را عملی کنید؛ و تجربه ای شود برای دست یابی به آرزوها و امیدهای دیگر.

باید دید قلم زن چه قلم زده است

وقتی کسی تمام تلاشش را برای رسیدن به هدفی انجام دهد، اما هنوز از به نتیجه رسیدن مطمئن نباشد، با گفتن این مثل به خدا توکل می کند و خودش را آرام می کند.(3)

وظیفه ما اقدام و عمل است و نتیجه را به خدای آگاه و دانا واگذار می کنیم.

ص: 40

1- مولوی، دفتر اول، شماره 45.

2- فوت کوزه گری، ج 1، ص 221.

3- فوت کوزه گری، ج 1، ص 231.

دست شکسته به کار می رود، دل شکسته به کار نمی رود

دست شکسته به کار می رود، دل شکسته به کار نمی رود. (1)

اگر شخصی دچار آسیب های جسمی شود باز توان و روحیه کار هنوز در او باقی است؛ اما اگر دچار ناامیدی شود. چاره بر او ناچار می شود و بی انگیزه و بی نشاط و بی روح می شود و توان و شور و شوق کاری را ندارد. از این رو برای دل به کار دادن و سعی و تلاش کردن، نیاز به نیروی محرکه قوی به نام امید است که بتواند شخص را به حرکت درآورد. چراکه تا موتور درونی انسان (امید به خدا) روشن و گرم نشود. انسان قادر به حرکت و پرواز نیست.

بسا مراد که در ضمن نامرادی هاست

هرگز نا امید نباش، در تیره ترین لحظه های شب است که خورشید، آرام آرام طلوع می کند و صبح روشن از راه می رسد. (2) چه بسیار شده است که از اتفاقات روزگار نالیده ایم و لب به شکایت به هر کس و ناکس گشوده ایم. ولیکن غافل بوده ایم که صلاح و مصلحت آدمی در همین سختی ها است. از این رو هیچ گاه امیدت را از دست نده و در سخت ترین طوفانی های زندگی در جستجوی روشنایی باش.

قرآن کریم در این زمینه چنین می فرماید:

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛

ص: 41

1- امثال و حکم دهخدا، ج 2، ص 809.

2- فوت کوزه گری، ج 1، ص 258.

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است؛ و خدا می داند و شما نمی دانید. (1)

بکار تا درو کنی!

برای به دست آوردن نتیجه و ثمره خوب در هر کاری، باید برنامه ریزی درست و تلاش و امید داشت. اگر بکاری، درو خواهی کرد! (2) به کسی امیدوار می گویند که در کنار امید به خدای بی نیاز، اهل عمل و کار نیز باشد؛ و امید و تلاش همانند دو بال پرواز برای رسیدن به قله ی سعادت است؛ و با نبودن یکی از دو بال پرنده می شود چرنده.

به هر چمن که رسیدی، گلی را بچین و برو

از فرصت هایی که در زندگی ات پیش می آید، استفاده کن. به دنبال بهترین باش. به یک حد و یک فرصت اکتفا نکن؛ تجربه کن و از هر چمن گلی بچین از هر روز و هر لحظه بهره ای بیبر. (3) اگر از کسی یا چیزی ناامید شدی نگران نباش و به گلستان بعدی برو. اگر درهای گلستان به روی شما بسته شد. به جستجوی بوستان برو و گلی دیگر بچین. خود را متوقف یک کار نکنید در هر بوستان و

ص: 42

1- بقره/216.

2- فوت کوزه گری، ج 1، ص 261.

3- فوت کوزه گری، ج 1، ص 288.

گلستانی را بکوبید تا به مقصد برسید. اگر گل نیست، به جستجوی چمن، درخت، شکوفه،... بروید.

برسید از بد بالاتر چیه؟ جواب داد: بدتر!

مردی سر سفره شام نشست و دید غذا توی سفره هست، اما زنش ماست و ترشی و این جور چیزها را سر سفره نگذاشته. عصبانی شد و گفت: «چه سفره بدی!» و بعد هم قهر کرد و از خانه زد بیرون. در راه به زن و شوهری رسید که با هم دعوا می کردند و زن به خاطر بی کاری مرد و گرسنگی حرف طلاق و جدایی می زد. خدا را شکر کرد که اگر سفره اش بد است خالی نیست که بدتر باشد؛ و به خانه برگشت.

وقتی بخواهیم کسی را به تحمل کردن وضع موجودش سفارش کنیم و او را از وضع بدتر بترسانیم این مثل را می گوئیم. [\(1\)](#)

شایسته است امید معقول و منطقی باشد. امید را درجه بندی کنید. اگر به فلان چیز نرسیدی به همین قناعت کن و قدر این را بدان و به جای ناسپاسی اندکی رنگ تعقل به امیدت بده.

تا ریشه در آب است، امید ثمری هست

تا زندگی هست، تا جان در بدن باقی است تا آسمان بالا و زمین پایین تا اکسیژن جاری است تا خورشید تابان و ماه نورانی است... امید نیز زنده است و کارگشای کارهای بنی آدم است.

ص: 43

تا هیزم به جاست، آتش نمی میرد

تا روزنه امید هست، نباید ناامید شد. افراد خلاق و امیدوار همیشه در جستجوی راه حل تازه ای هستند و از هر موقعیتی بهره می برند و خود را پیروز می دانند اجازه ندهید طناب استوار امید سست شود. اهل مبارزه و امید باشید و خود را تسلیم روزگار نکنید. یادمان باشد که خدای مهربان بهترین تکیه گاه امید است و تنها اوست که مُسبب الاسباب است.

جای شکرش باقی است!

ممکن بود وضع بدتر بشود به همین دلیل جای شکرش باقی است. افراد قوی و امیدوار هرگز با کوچک ترین شکستی بازنده نمی شوند. بلکه آن شکست را تجربه خود می گردانند و با امید و همت بار دیگر به راه خود ادامه می دهند. نظیر رودخانه که برای رسیدن به دریا از هزاران فراز و نشیب می گذرد.

حال که ماست نشد، شیر بده

می گویند: پسری به سختی حرف می زد و موقع حرف زدنش زبانش می گرفت. او را فرستادند تا ماست بخرد. در دکان هر چه بگوید ماست، نتوانست و گفت: ما... ما... آخر خودش هم خسته شد و گفت: حالا که نشد، شیر بده!

به دنبال یک هدف نباشید. هدف های کوتاه مدت و بلندمدت و متنوع برای خود در نظر بگیرید. اگر پزشکی نشد، آبغوره نگیرید و به گوشه ای بنشینید و همگان را مقصر بدانید بلکه به دنبال پرستاری، بهیار، تزریقاتی، داروخانه،

اورژانس... باشید خلاصه دنیا برای کسی تنگ نیست. کافی است امیدوار باشید و با تمام وجودتان بخواهید که خواستن توانستن است.

خدا بخواهد از نر هم می دهد

اگر خدا بخواهد، هر کاری که از نظر ما بندگان غیرممکن است، ممکن خواهد شد. در نزد قدرت خداوند، هیچ کاری غیرممکن نیست. اراده خدا بر هر چیز قادر و تواناست. (1)

از آنجایی که فکر و توانایی بشر محدود است به هر مشکلی که برمی خوریم زود تسلیم می شویم و گمان می کنیم که این مشکل اختصاصی من شده است و دیگه دنیا به پایان رسیده است. حال آنکه غافل هستیم از اینکه خدای مهربان و توانا رزق و روزی بندگان را از جاهایی که گمان نمی کنند می رساند. خدایی که انسان را از قطره ای ناچیز خلق کرده است همان خدا نیز قادر است مشکلات ما را به راحتی تبدیل به قطره کند به شرطی که ما نیز بخواهیم و سرسخت و استوار در مقابل موج ناامیدی بایستیم و چراکه آفریننده ما قادر به هر کاری است و پشتیبان بندگانش است.

ص: 45

1- فوت کوزه گری، ج 1، ص 454.

هیچ چیز خالی از عیب نیست و همین خصوصیات خوب و بد هر چیز است که به آن معنی یا شخصیت می دهد. بعضی کمبودها و نقص ها، برای بهتر شدن نتیجه ی کار لازم است و باید آن ها را تحمل کرد. (1)

قلم برای نوشتن، سر خود را از دست می دهد. چرا که می داند برای ماندگار شدن باید تلاش کردن و از برخی چیزها گذشت. بی شک موانعی در سر زندگی ما هست و پیش خواهد آمد و آنچه مهم است اینکه بدانیم همین نقص ها و سختی ها است که رشد ما را ضمانت می کنند. هنر آن است که در اوج بار سختی مشعل امید را روشن نگه داریم. سختی ها جسم و روح آدمی را ورزیده می کنند و کسی پیروز میدان است که خود را لایق پیروزی بداند.

در اگر بسته شود، رخنه دیواری هست

در اگر بسته شود، رخنه دیواری هست. (2)

افراد مثبت اندیش نگاه و فکر نمی کنند که چقدر مشکلات دارند. بلکه آنان همیشه به فکر راه حل هستند و دست از پشتکار و امید برای شکستن ناامیدی بر نمی دارند. در انتظار اینکه دری به پهنای کهکشان برای شما باز شود، نمانید بلکه به هر اندازه که هست قدردان آن باشید و آن را تبدیل به بهترین فرصت کنید. یادمان باشد نور امید در دل های ما زنده است فقط باید آن را شعله ور کرد. در دریای امید باید از کاهی، کوهی و از خار، گلی ساخت.

ص: 46

1- فوت کوزه گری، ج 1، ص 484. (قلم نی، از ابزار اصلی خطاطان است. این قلم از نی تراشیده می شود و برای زیباتر شدن خط و یکنواختی مرکب، شکاف کوچکی بر نوک قلم می دهند.)

2- صائب تبریزی، غزل، 1581.

در باغ جهان، یک گل بی خار نباشد

در باغ جهان، یک گل بی خار نباشد. (1)

هیچ پاداشی بی زحمت به دست نمی آید. زیباترین گل ها در کنار خشن ترین خارها می رویند. موفق ترین افراد در کنار سخت ترین مشکلات بزرگ می شوند. تنها نیرو و قدرتی که می تواند چنین افرادی را تربیت کند امید به خدای توانا و پشتکار آنان است. خودت را بشناس و دریاب که خالق ما هوادار ماست.

در پس هر گریه، آخر خنده ای است

روزهای سخت بالاخره تمام می شود و روزهای خوش جای آن را می گیرد. فقط باید امیدوار بود و صبر کرد. (2)

اگر الآن در طوفان سختی ها هستید. به دل خودنگرانی راه ندهید و بدانید که در پس این طوفان آرامش ها است. آرامشی که با امید به خداوند و صبر و حوصله به دست می آید. حوصله و صبر دوستان قدیمی و با وفای امید هستند. باید قایقی ای ساخت از صبر که بادبان آن امید و پاروی آن همت و مقصد آن آرامش باشد.

دست برسر زدن از هر مگسی برمی آید

دست برسر زدن از هر مگسی برمی آید. (3)

غصه خوردن هنر نیست. هنر آن است که بر مشکلات صبر کند و با امید و همت دنبال راه چاره باشد.

ص: 47

1- هلالی جغتایی، غزل، 112.

2- فوت کوزه گری، ج 1، ص 510.

3- صائب تبریزی، غزل، 3634.

دیر و زود دارد؛ اما سوخت و سوز ندارد

کاری که باید انجام بشود، حتماً خواهد شد؛ حتی اگر زمان طولانی لازم باشد. حتی به فکر نگرانی آینده هم نباشید. چراکه نتیجه اعمال بالاخره یک روزی نمایان می شود و خوش اندامی می کند. برای رسیدن به مقصد باید صبر و حوصله کرد و امیدوار بود که روزی میوه شیرین آن را بچینیم.

ذره ذره پشم قالی می شود

برای رسیدن به هدف باید صبور بود. مثل معروف «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.» قطره نشان از پشتکار و اندک اندک است و دریا نشان از برکت و فراوانی است. لازمه دریا شدن امید است. امید به روزی که ما هم دریا و دریای می شویم و منبع خیرات بسیاری برای خود و دیگران. پشم کجا؟ قالی کجا؟ امید به زیبا شدن بود که پشم را قالی کرد.

داری طرب کن نداری طلب کن

اگر وضعت خوب است خدا را شکر کن و شادباش و دیگران را نیز شاد کن؛ و اگر وضع خوبی نداری کوشش و تلاش کن تا بدست آوری. تنها افراد امیدوار اهل تلاش و همت هستند؛ و امید سوخت تلاش را فراهم می کند و آدمی را برای ادامه کار شارژ می کند. در اینجا «طلب» به معنی تلاش است.

دست را بگیر به زانویت و بگو «یا علی»!

چرا در هنگام دشواری ها می گوییم «یا علی»؟ چراکه امام علی (علیه السلام) از نمونه های آشکار و از بهترین الگوها برای فرد امیدوار است. چراکه در دوران عمرشان سختی های زیادی به ایشان هجوم آورد اما ایشان با امید به خدا تمام مراحل را پشت سر گذاشتند؛ و به مسائل اجازه ندادند تا ایشان را زمینه گیر کند.

دنیا به امید برپاست

شب به امید خورشید، روز به امید ماه، ابر به امید سایه و باران، باد به امید نسیم، پرنده به امید خواندن، انسان به امید رسیدن، دانه به امید رویدن، درخت به امید ثمر، نوشتن به امید خواندن، خواندن به امید فهمیدن و عمل، تفریح به امید نشاط، دین به امید هدایت، ... همه و همه به امید زنده اند.

دنیا را هر طوری بگیری می گذرد

اگر با دنیا با ناامیدی معامله کردی بازنده هستی و اگر با امیدواری معامله کردی پیروزی و سود و منفعت از آن شماس. ساده اندیش نباشید ولیکن ساده دل باشید.

دنیا که آخر نرسیده است

اتفاق مهمی روی نداده است؛ و هنوز زندگانی جاری است. ماه و خورشید و فلک در کارند تو نیز در کار باش.

راه همیشه سر بالا نیست، سر پایینی هم دارد!

به تعبیر زیبایی امیر مؤمنان (علیه السلام): **الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْتَظِرُ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ**؛ روزگار دو روز است یک روز به کام تو و یک روز به زیان تو. پس هنگامی که به کام توست بدمستی مکن و در آن هنگام که به زیان توست شکیبایی کن. [\(1\)](#)

عاقبت، جوینده، یابنده بود

هر کس که در راه هدف خود تلاش کند، حتماً به خواسته و آرزویش می رسد.

غم آن درد که درمان نپذیرد، چه خوری؟

اگر درد و مشکلی، راه چاره داشت، دنبال آن برو و آن را پیدا کن؛ ولی اگر درد یا سختی ات، راه چاره نداشت، خودت را ناراحت نکن. صبر کن و غم نخور، مشکلک به مرور زمان حل می شود. [\(2\)](#)

فردا هم روز خداست!

کمی صبر داشته باش. شاید به زودی چاره ای برای مشکلاتت فراهم آید. [\(3\)](#)

ص: 50

1- نهج البلاغه، حکمت 396.

2- فوت کوزه گری، ج 2، ص 753.

3- فوت کوزه گری، ج 2، ص 760.

روزی می آید اما روزی (رزق و روزی) نمی آید

روز و شب و بهار و زمستان خواهیم نخواهیم خواهد آمد و خواهد رفت. آنچه مهم است و باقی می ماند عمل نیک و تلاش و همت انسان است. و روزگار به چرخش خود ادامه می دهد و اگر تنها امید بدون عمل داشته باشیم. جز خُسران و زیان چیزی نصیبمان نمی شود. همانند اینکه شخصی به گوشه ای پنهان برود و روزانه صد مرتبه بگوید من گرسنه ام! من گرسنه ام! تنها چیزی که نصیبش می شود گرسنگی بیشتر و خستگی است؛ اما فرد امیدوار در حین اینکه کار و تلاش می کند نگاه و امیدش به خداوند یکتاست؛ و خداوند رزق و روزی چنین بنده ای را به خیر و برکت و عزت می رساند.

زندگی به امید بسته

چرخ های زندگی بر محور امید می چرخد و زندگی که امید نداشته باشد کسل و بی حال و پنجر است.

شب سمور گذشت و لب تنور گذشت

سختی ها و مشکلات برای همه پیش خواهد آمد؛ و در زندگی هر کس حادثه های تلخ و شیرین وجود دارد و آنچه مهم است زودگذر بودن همه آن هاست.

یکی از شب های سرد زمستان سلطان محمود غزنوی خیلی سردش شده بود. دستور داد بهترین بالا پوش هایی را که از پوست سمور و خز ساخته شده، رویش بیندازند؛ اما باز هم احساس سرما می کرد و تا صبح لرزید. صبح که به بیرون

کاخش رفت، مردی ژنده پوش را دید که در گوشه ای خوابیده است از او پرسید دیشب را چگونه گذراندی؟ مرد ساده پوش در پاسخ او تنها گفت «گذشت».(1)

شتر دیدی، ندیدی!

اشاره به اصل غفلت دارد. گاهی اوقات برای راحتی جسم و روح باید خودمان را به غفلت بزینیم.

از آن روزی که ما را آفریدی *** به غیر از معصیت چیزی ندیدی

خداوندا! به حق هشت و چارت *** ز مُو بگذر، شتر دیدی، ندیدی!(2)

نباید همچون جاروبرقی هر زیاله ای را به درون خود راه داد. جایگاه قلب و ذهن آدمی جایگاه شریف و بلندی است که شایسته است تنها افکار مثبت و امیدوارکننده به آن راه پیدا کنند. اگر افراد با رفتارهای منفی و کسل کننده اطراف شما است. هرگز اجازه ندهید که شما را تسلیم افکار و رفتارشان کنند. اگر به ناچار با چنین افرادی در تماس هستید. پس از مرحله تذکر و پند دهی و تأثیر نگذاشتن، خود را به غفلت بزینید و یک گوش را در و گوش دیگر را دروازه کنید.

شتری که علف می خواهد، گردن دراز می کند

تلاش و کوشش لازمه رسیدن به خوشبختی و سعادت است. امید بدون زحمت و تلاش معنا ندارد. امیدی ستودنی است که در کنارش همت و پشتکار باشد.

ص: 52

1- فوت کوزه گری، ج 2، ص 674.

2- باباطاهر، 327.

عسل در باغ هست و غوره هم هست

شیرینی و تلخی روزگار به هم آمیخته است. انتظار نداشته باشید همیشه موفقیت در خانه شما را بزند. گاهی هم شکست در خانه را می زند؛ و این پست و بلندی زندگی نشان از زنده بودن است. آدم هایی که با سختی ها دست و پنجه نرم می کنند غالباً چنین افرادی، انسان های موفق و امیدواری هستند که مفید برای خود و اطرافیانشان هستند.

قطره قطره، جمع گردد وانگهی دریا شود

اندک اندک علم یابد نفس چون عالی بود *** قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود(1)

لازمه ی موفقیت، صبر و حوصله و امید است؛ و موفقیت را یک شبه به آدم نمی دهند بلکه نیاز به امید و صبر دارد.

مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می شود

وقتی بخواهیم از شادابی کسی سخن بگوییم که گذشت ایام و فشارهای زندگی، موجب پژمردگی یا پیری او نشده است. برعکس هر روز جوان تر و بانشاط تر به نظر می رسد از این مثل استفاده می کنیم(2)

به یاد داشته باشید زیر چرخ سختی هاست که مردان نیرومند و توانا ساخته می شوند. افراد امیدوار هرگز امید به خدا را در دشواری ها از دست نمی دهند. بلکه می دانند پس از هر سختی آسانی است.

ص: 53

1- ناصر خسرو.

2- فوت کوزه گری، ج 2، ص 913.

عاقبت این شب تاریک سحر خواهد شد

هر چیزی دوره ای و پایانی دارد و انتهای دوران ناخوشی و تاریکی، خوشی و روشنایی است.

غیر از مُردن هر کاری چاره دارد

امید به هر راه حلی داشته باشید. برای قفلی هزاران کلید و کلیدساز وجود دارد. آنچه مهم است. امید داشتن به یافتن و پیروز شدن است. از نیروهای درونی که خداوند به بشر عطا کرده است استفاده کنید. نیروی تعقل، امید، اراده...

غیرممکن، غیرممکن است!

شاید، غیرممکن برای بشر غیرممکن باشد ولی برای آفریننده جهان هستی غیرممکن رنگی ندارد؛ و اگر خدای توانا و حکیم بخواهد به بهترین شکل و آسان تر راه همه چیز را جفت و جور می کند. منتها به شرط خواستن و امید داشتن بنده اش به قدرت بی انتهای خالق بشر.

فاشک نداری آتش بخوری، نافت را کج بیل کن

اشاره به ناامید نشدن است و اینکه آدمی باید اهل سعی و تلاش باشد. استعداد و خلاقیتی که خداوند به انسان داده است در درون هر کس نهفته است. فقط کافی است تا آن را با امید و پشتکار بیدار کنید.

هر کاری، به کمک سعی و تلاش و همت، انجام خواهد شد؛ کاری نیست که با وجود این سه عامل، انجام نشود. (1)

آسوده کسی که خر ندارد *** از گاه و جوش خبر ندارد

این مثل را غالباً اشخاص بی بضاعت که نانی به دست می آورند و به قناعت می خورند استفاده می کنند و گاهی هم اشخاص توانگر از کثرت کار و زحمت ناشی از ثروت زیاد و خستگی روحی یادی از آسایش مردم بی بضاعت کرده و این مثل را می گویند. اگر به آنچه می خواستید دست نیافته اید نگران نباشید بلکه در عوض آسایش و راحتی دارید.

آقای خودم، نوکر خودم!

وصف حال آدمی است که به خاطر استقلال و تکیه نداشتن به دیگران یا مادیات و تعلقات دنیایی، دارای آزادگی و آسودگی است و آرامش خیال دارد. قلاب امید را باید جای مطمئنی انداخت. اگر امید به دست مردم نا اهل و بخیل و حریص... داشته باشید بدان که به همان واگذار می شوید و بدان که امیدت به سنگ سیاه می خورد چراکه آن دسته افراد اگر انسان های موفقی بودند دچار گرداب منفی بافی و رفتارهای ناپسند نمی شدند. از این رو بهترین کسی که می توان به او امید داشت خدای مهربان است که هم دریای لطف و رحمت وسیعی دارد و هم بخشش و کرم بی پایانی دارد.

ص: 55

آن‌هایی که دویدند و آن‌هایی که چریدند، هر دو با هم رسیدند

زیاد سخت گیر نباشید، آنچه روزی ات باشد به شما می‌رسد. زندگی را سهل و ساده بگیرید برای به دست آوردن رزق و روزی خود را به در و دیوار نزنید، دست را به روی هر کس و ناکس دراز نکنید. شما هر قدر هم که بدوید بیشتر از پیمانۀ ای که روزیتان است به دست نمی‌آورید. شاید کوه‌ای از ثروت و مال اندوخته باشید اما مهم بهره بردن از آن است. چه افرادی را دیدیم که دست رنجشان را وارث محترم بالا کشیده و آبی هم به روی قبرش نپاشیدند. آنچه مهم است سلامت، نشاط و مفید بودن زندگی است.

آینه هر چه دید، فراموش کند

هرگز نماند در دل ما کینه‌ی کسی *** آینه هر چه دید، فراموش می‌کند(1)

اگر بخواهیم به کسی بگوییم که غصه نخور، کسی که به او بدی کرده‌ای، آدم بزرگواری است و تو را می‌بخشد و یا بخواهیم به کسی بگوییم که ما آدم خودخواه و بی‌گذشتی نیستیم و گناه کسانی را که به ما بدی کرده‌اند، ما نادیده می‌گیریم و می‌بخشیم از این مثل استفاده می‌کنند. (2) اگر کسانی مانع موفقیت شما شدند نگران نباشید بلکه دل دریایی داشته باشید و از آن‌ها بگذرید.

امام علی (علیه السلام): **أَغْضِ عَلَى الْقَدَى وَ الْأَلَمِ تَرْضَ أَبْدًا؛**

چشم از سختی خوار و خاشاک و رنج‌ها فرویند تا همواره خشنود باشی. (3)

ص: 56

1- صائب تبریزی.

2- فوت کوزه‌گری، ج 1، ص 78.

3- نهج البلاغه، حکمت، 213.

گذشت ها رفت و آینه عبرت شد پس با امید و پشتکار به فکر آینده باشد.

گوسفند شش ماه چاق است شش ماه لاغر

خوبی و بدی و سود و زیان در کنار هم هستند. انتظار نداشته باشید که همیشه سرحال و پرنشاط و موفق باشید. انسان موفق می داند که در هر کاری احتمال شکست و ناراحتی هست اما آنچه باعث پیروزی نهایی وی می شود امید به خداست.

ماه همیشه زیر ابر نمی ماند

بالاخره حقیقت و راستی روزگاری آشکار می شود. کافی است صبر پیشه کنید و امیدوار باشید.

ناامیدی کار شیطان است

تاریکی، بدبینی، سوءظن، افکار منفی... کار شیطان است. از هر در و پنجره ای وارد می شود تا سیاه نمایی کند و نگذارد شما به موفقیت برسید. در مقابل، امید، خوش بینی، افکار مثبت رفتارهایی است که خداوند می پسندد و به آن امتیاز مثبت می دهد.

یکی از ترفندهای شیطان این است که گذشته ی فردی را که در آستانه پیروزی است را در جلوی چشمش می آورد و دائم به ذهنش می آورد که در گذشته چه مشکلاتی داشته ای و چه بداقبالیهایی آورده ای. و نمی گذارد فرد به کامیابی

برسد. پس مراقب این دام شیطان باشید؛ و با امیدواری و خوش بینی به راهتان ادامه دهید؛ و تسلیم وسوسه های شیطان پلید نشوید و بدانید که خداوند توانا و حکیم پشتیبان افراد امیدوار است.

نه هر که رفت رسید، نه هر که گشت درود

خواست و اراده خداوند را نباید فراموش کرد. گاهی اوقات تمام تلاش خود را انجام می دهیم و لکن به نتیجه نمی رسد و این زنگ خداست که به صدا می آید و می گوید. درست است که همه کارها را خودت انجام دادی و لکن اذن و اراده خداوند نیز شرط است. در هر کار نباید از امید به خداوند غافل شد و همیشه باید از او کمک خواست تا کارها برکت پیدا کند.

هر چه پیش آید خوش آید

گفته ی آدم های امیدوار و مثبت نگر است. این افراد به مسائل اطراف خود به دید خوب و مثبت می نگرند؛ و به خوبی می دانند که هر مسئله ای که پیش آید باعث رشد و ترقی آن هاست؛ و فرصتی است برای به دست آوردن موقعیت های تازه و بهتر.

همیشه آسمان آبی نیست

همه چیز در حال تغییر است. زندگی و زمانه همواره در حال دگرگونی است. گاهی سرد و بی روح گاهی گرم و شاداب.

نباید انتظار داشت که همیشه آسمان زندگی نیز آبی و روشن باشد. گاهی هم برای پیشرفت و ترقی طوفان لازم است.

و گر زمانه نَسازد، تو با زمانه بساز!

و گر زمانه نَسازد، تو با زمانه بساز! (1)

اگر تمام اسباب دنیایی دست به دست هم داده تا تو را به خاک سیاه بنشانند. تو تسلیم نشو، همانند سپری استوار جلوی آن قامت خود را بلند کن و سیلی محکم امید را به گوشش بنواز. به زمانه بیاموز که آدم امیدوار صد هزار ارزشش بهتر از زمانه ی گذرا است.

هیچ دودی بی آتش نیست!

هر کاری انگیزه ای دارد. اگر الآن افراد موفق را می بینی که بانشاط و امید کارهایشان را انجام می دهند بدان که این موفقیت ریشه در دوران گذشته وی دارد. هرچند گذشته تلخ و پرفراز و نشیبی داشتند اما امید به خداوند در جای جای زندگی شان نمایان است.

یک سال بخور نان و تره، هرسال بخور نان و بره

اگر مدتی به خود سختی بدهید و در زندگی، صرفه جویی و پس انداز کنید، باقی عمر را در رفاه و آسایش به سر خواهید برد. برای آنکه قله موفقیت را فتح کنیم باید سختی راه را تحمل کرد.

ص: 59

یا رب مکن امید کسی را تو نا امید

دعای اهل دل است برای دلگرمی دادن به کسانی که امید به خداوند یکتا دارند.

ص: 60

اگرچه آفت عمر انتظار است چو سر با وصل دارد سهل کار است

چو خوش تر ز آنکه بعد از انتظاری به امیدی رسد امیدواری(1)***

دعای ضعیفان امیدوار *** ز بازوی مردی به آید به کار(2)

گاهی اوقات دعا و نیایش افراد امیدوار بهتر از دستان توانای مردان جنگی است.

نویسنده را گر ستون عمل *** بیفتد، نبرد طناب اَمَل(3)

حتی در طوفان بلاء نباید امید کسی را ناامید کرد.

امیدوار بود آدمی به خیر کسان *** مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان(4)

ص: 63

1- نظامی، خمسه، خسرو و شیرین، 30.

2- سعدی، بوستان، باب اول، 41.

3- اَمَل: آرزو، امید. سعدی، بوستان، باب اول، 1.

4- سعدی، گلستان، باب چهارم.

چو در خیر کسان امیدواری *** ز نومی‌دی برو آیدت خاری(1)

اگر به خیر و امید کسی نشسته‌ای، بی‌ثمر است و تنها چیزی که نصیبتش می‌شود خواری و ذلت است.

مُحال است اگر سر بر این در نهی *** که باز آیدت دست حاجت تُهی

خدایا مقصر به کار آمدیم *** تهیدست و امیدوار آمدیم(2)

بسا سالیان دراز در بند و چاه *** که شد روز دیگر خداوند جاه(3) چه بسا افرادی امیدواری که تا دیروز اسیر و گرفتار بودند ولکن امروز پادشاه و سرور شدند.

از همه نومی‌د شد مسکین کیا ***

پس بر آرد هر دو دست اندر دعا کز همه نومی‌د گشتم ای خدا *** اول و آخر تویی و منتها(4)

اگر چشم انتظار و امیدوار به کسی غیر از خدا هستی بدان که سخت در اشتباهی. به قول معروف امید بستن به غیر خدا همچون خانه عنکبوت است سست، شکننده، بی اعتبار. شایسته است در فراز و نشیب زندگی به خدای توانا و مهربان امید ببندیم و در تنگناها او را صدا بزنیم. خدایی که بدون کوچک ترین چشم داشتی کار انسان را به بهترین و کامل ترین شکل سروسامان می‌دهد. پس

ص: 64

1- ویس و رامین، به نقل از دهخدا، واژه امیدوار.

2- سعدی، بوستان، باب دهم.

3- اسدی طوسی، گرشاسب نامه...

4- مثنوی معنوی، دفتر سوم، 99.

نباید به درگاهی جز درگاه الهی امید داشت... و شرط امید به خدا، قطع امید کردن از مردم است.

انبیا گفتند: نومییدی بد است *** فضل و رحمت های باری (1)

بی حد است از چنین محسن (2) نشاید ناامید *** دست در فتراک (3) این رحمت زنی

ای بسا کارا که اول صعب (4) گشت *** بعد از آن بگشاده شد سختی گذشت

بعد نومییدی بسی او میدهاست *** از پس ظلمت بسی خورشیدهاست (5)

طبق نص قرآن مجید ناامیدی کفر است. تنها افراد کافر و گمراه ناامید می شوند و ناامید می کنند.

باز آ، باز آهر آنچه هستی باز آ *** گر کافر و گبر (6)

و بت پرستی باز آ

این درگه ما درگه ناامیدی نیست *** صدبار اگر توبه شکستی باز آ (7) لطف و رحمت بی پایان خداوند آن قدر زیاد است که اگر صدها بار همه توبه کنیم او می پذیرد. تنها درگهی که بدون منت و فخر فروشی انسان را می پذیرد، درگه خداوند مهربان است. امید به دریای مهربانی خداوند بنده را به سوی پروردگارش می کشاند. وقتی که خود خدا در قرآن مجید می گوید:

ص: 65

1- آفریدگار، خدا.

2- نیکوکار.

3- تسمه و دوال که از عقب زین اسب می آویزند و با آن چیزی به ترک می بندند. زین اسب.

4- مشکل، سخت.

5- مثنوی معنوی، دفتر سوم، 136.

6- آتش پرست.

7- ابوسعید ابوالخیر.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (1)

و درجایی دیگر می فرماید:

و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید! (2)

چو بحر (3)

عنایت در افزایش است *** به هر جرم امید بخشایش است (4)

تا زمانی که خدا ناخدای هستی است تا زمانی که دریای مهر و محبت الهی خروشان است. امید به بخشایش مجرمان و گناهکاران باقی است. از این رو شایسته است همیشه امیدوار به رحمت و امداد غیبی الهی باشیم.

خواهی نرسی به ناامیدی ها *** نومید مکن، امیدواران را (5)

آدم های موفق همیشه اهل انرژی مثبت دادن به اطرافیان هستند. در سخت ترین مسائل امیدوار هستند و به دیگران نیز امیدواری و انگیزه می دهند. سعی کنید در زندگی دلی را شاد و گره ای را بکشاید. حداقل نور امید و شور و نشاط و انگیزه را در دیگران ایجاد کنید. در ارزیابی دیگران نقد خوب است اما پیشنهاد عالی تر است. ایده و راه حل بدهید هر چند شدنی نباشد. به هر حال

ص: 66

1- فاطر/53.

2- نور/31.

3- دریا.

4- دیوان آذر بیگدلی.

5- فروغی بسطامی، غزل 27.

خداوند بر ای هر دردی درمانی آفریده است؛ و خداوند تمام درها و چاره ها را برای بشر خلق کرده است فقط باید با نور امید و همت در جستجوی آن بود.

یوسف گم گشته باز آید به کنعان(1) غم مخور

*** کلبه احزان(2)

شود روزی گلستان غم مخور

ای دل غمدیده حالت به(3) شود دل بد مکن *** وین سر شوریده(4)

باز آید به سامان غم مخور(5)

نگاه ات به آینده، مثبت و روشن باشد. مشکلات و سختی ها زندگی مانند تیر در چله کمان است. تیر به عقب کشیده می شود و پس از کشیدن و تحت فشار قرار گرفتن رها می شود و به هدف می رسد. همیشه به اهداف خود خوش بین و امیدوار باشید.

خداوندی چنین بخشنده داریم که با چندین گنه امیدواریم

که(6)

بگشاید دری کایزد ببندد؟ بیا تا هم بدین درگه بزاریم

خدایا گر بخوانی ور برانی جز انعامت دری دیگر نداریم(7)

تنها امید به خداوند بخشنده و مهربان داشتن نجات دهند حقیقی است. دری را که خدای مهربان گشاید هیچ کس قادر به بستن آن نیست و اگر همان خدای

ص: 67

1- سرزمین و محل زندگی قوم کنعان و حضرت یعقوب (علیه السلام)، منطقه ای در شام قدیم. شامل جنوب سوریه و فلسطین.

2- غم ها.

3- بهتر.

4- آشفته، پریشان.

5- حافظ، 255.

6- چه کسی.

مهربان دری را ببندد هیچ کس قادر به گشودن آن نیست. پس تنها به درگاه او نگاهت را بدوز و امید داشته باش.

هر چه دلم خواست نه آن می شود *** هر چه خدا خداست، همان می شود

گاهی اوقات دلمان هوای چیزی را دارد ولی خدای دانا به حسب خیر و برکت و حکمت چیزی دیگر را رقم می زند.

همی تا بگردی انگشتی *** جهان را دگرگون شود داوری

ثانیه به ثانیه جهان در حال گردش و فراز و نشیب است. با یک چشم به هم زدن شاه گدا و گدا شاه می شود. پس نیکوست همواره در انتظار تغییر و پیشرفت و رشد باشیم.

مشکلی نیست که آسان نشود *** مرد باید که هراسان(1)

نشود

هر مسئله ای راه حلی دارد با همت و امید می توان به آن دست یافت. تنها انسان های قوی و شجاع می تواند به راه حل های شگفت انگیز و مفید راه پیدا کنند.

امام علی (علیه السلام) : إِذَا هَبَّتْ أَمْرًا قَعَّعَ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ؛

هرگاه از کاری ترسیدی، خود را به کام آن بینداز، زیرا ترس شدید از آن کار، دشوارتر و زیان بارتر از اقدام به آن کار است.(2)

تا خیال و فکر خوش بر وی زند ***

فکر شیرین مرد را فربه کند

جانور فربه شود لیک از علف

*** آدمی فربه ز عزست و شرف

آدمی فربه شود از راه گوش ***

جانور فربه (3)

شود از حلق و نوش (4)

ص: 68

1- ترس.

2- نهج البلاغه، حکمت، 175.

3- چاق.

4- مثنوی معنوی، دفتر ششم.

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند ***

چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند (1)

غم و شادی تاروپود دنیا هستند و به هر طرف بروی این دو با هم هستند؛ و هر دو نیز ثابت نیستند و گذرا هستند. شخص امیدوار به خوبی می داند که آنچه به سرعت بخشیدن گذر از سختی کمک می کند امید است.

بگذرد این روزگار، تلخ تر از زهر ***

بار دگر روزگار، چون شکر آید. (2)

گفت پیغمبر (3)

که چون کوبی دری *** عاقبت زان در برون آید سری

چون نشینی بر سر کوی کسی

*** عاقبت بینی تو هم روی کسی

چون ز چاهی می کنی هر روز خاک ***

عاقبت اندر رسی در آب پاک

جمله دانند (4)

این اگر تو نگروی *** هر چه می کاریش روزی بدروی (5)

خدا گر ز حکمت ببند دری *** ز رحمت گشاید در دیگری

خدای ار (6)

به حکمت ببندد دری *** گشاید به فضل و کرم دیگری (7)

1- حافظ، غزل، 179.

2- لا ادري.

3- «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَّ وَجَدَ؛ هر که چیزی بجوید و بکوشد بیاید». نهج الفصاحه، ح 3062.

4- همگان می دانند.

5- مثنوی، دفتر سوم، 228. بدروى: درو کردن، چیدن محصول.

6- اگر.

7- سعدی؛ بوستان؛ باب احسان

نومید مشوز چاره جستن *** کز دانه شگفت نیست رُستن (1)

کاری که نه زو (2) امید داری ***

باشد سبب امیدواری

در نومیدی بسی امید است

*** پایان شب سیه سپید است (3)

سعدیا دی (4)

رفت و فردا همچنان معلوم نیست *** در میان این و آن فرصت شمار امروز را (5)

شب تار و بیابان، دور منزل *** خوشا آن کس که بارش کمترک بی (6)

انسان هر چه در زندگی به مقام و وسایل زندگی و مادیات کمتر علاقه داشته باشد، راحت تر و با آرامش بیشتر، زندگی را طی می کند و از

دردسره‌های و رنج‌هایی که بارفاه طلبی و مادیات پیش می آید، آسوده تر است. (7)

خُوش است درد که باشد امید در مانش ***

دراز نیست بیابان که هست پایانش (8)

به بزرگی مسائل نگاه نکنید چراکه هر آغازی پایانی دارد.

ص: 70

1- روئیدن. رشد کردن.

2- کاری که از آن امید داری.

3- نظامی؛ خمسه؛ لیلی و مجنون، بخش 17

4- دیروز.

5- سعدی، غزل، 12.

6- باباطاهر، (بی؛ باشد)

7- فوت كوزه گرى، ج 1، ص 495.

8- سعدى، غزل، 329.

نَمْرُود (پادشاه شهر بابل در زمان ابراهیم (علیه السلام)) دستور جمع آوری هیزم را داد و در بیابان نزدیک شهر هیزم ها انباشته شدند و آن ها را آتش زدند ولی از افکندن حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آن آتش ناتوان شدند چراکه شعله های آتش اجازه نزدیک شدن را نمی دادند. شیطان برای آنان منجلیق ساخت تا به وسیله آن ابراهیم را در آتش بیندازند.

در این هنگام جبرئیل آمد و به ابراهیم گفت: اگر حاجتی داری بگو. ابراهیم گفت: «أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» از تو خیر، خداوند مرا کافی است و او نیکو حمایتگری است. میکائیل آمد و گفت: باران و آب در اختیار من است اگر بخواهی آتش را خاموش کنم.

ابراهیم گفت: «لَا أُرِيدُ» خیر نمی خواهم. فرشته باد آمد و گفت: اگر می خواهی فرمان دهم باد آتش را پراکنده کند. ابراهیم گفت: «لَا أُرِيدُ» خیر. نمی خواهم. جبرئیل گفت: پس خودت از خدا بخواه. ابراهیم گفت: «حَسْبِيَ مِنْ

سؤالِ عَلْمُهُ بِحَالِي» علم و آگاهی او از حال من کافی است از سؤال کردن (درخواست کردن) است. (1)

به تعبیری خداوند حال و روز من را می داند و نیازی به درخواست نیست.

چه کسی تو را نجات داد

جبرئیل (زمانی که حضرت یوسف زندانی بود) به نزد یوسف (علیه السلام) آمد و گفت: چه کسی تو را زیباترین مردم کرد؟ یوسف گفت: «رَبِّي؛ خدای من».

جبرئیل پرسید چه کسی تو را در میان برادران دیگر پسر پدر محبوب ساخت؟ یوسف گفت: پروردگار من.

جبرئیل چه کسی کاروان را به سوی تو فرستاد (تا تو را از چاه نجات دهند)؟ یوسف گفت: خدای من.

جبرئیل کی آن سنگ را (که دنبال تو در چاه انداختند) از تو دور کرد؟ یوسف گفت: پروردگار من.

جبرئیل کی تو را از چاه بیرون آورد. یوسف گفت: خدای من.

جبرئیل کی شتر زنان را از تو دور کرد؟

یوسف گفت: خدای من.

ص: 74

1- بحار الانوار، ج 68، ص 156.

جبرئیل گفت: خدای تو می گوید: ما دَعَاكَ إِلَى أَنْ تُنَزِّلَ حَاجَتَكَ بِمَخْلُوقٍ دُونِي الْبَيْتِ فِي السَّجْنِ بِمَا قُلْتَ بِضَعِ سَيِّئِينَ؛ چه سبب شد که حاجت خود را به نزد مخلوقی بردی و پیش من نیاوردی؟ به کیفر این حرفی که زدی (از دیگران درخواست کردی) چند مدت دیگر در زندان بمان. (1) حضرت یوسف در زندان به هم زندانی خود که در حال آزاد شدن از زندان بودن گفت: نزد پادشاه که رسیدی ما را هم سفارش کن؛ و این گونه درخواست از غیر خدا کرد. (2)

امید چاق است؟

امام صادق (علیه السلام): در زمان حضرت موسی بن عمران دو مرد زندانی بودند و آزاد شدند، که یکی از آن ها چاق و درشت هیكل و دیگری لاغر بود و مانند حشره ای کوچک گردیده بود. موسی بن عمران به شخص چاق گفت: این سر حال بودن بدنت را از چه می بینم؟

گفت: «حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ» از خوش گمانی به خدا و به دیگری گفت: این بد حالی را در بدنت از چه می بینم؟ گفت: «الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ» از ترس خدا. موسی بن عمران دستش را به سوی خدا بلند کرد

و گفت: يَا رَبِّ قَدْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُمَا فَأَعْلِمْنِي أَيُّهُمَا أَوْلَى فَأَوْحَى إِلَيْهِ صَاحِبُ حُسْنِ الظَّنِّ؛

ص: 75

1- تسلیه المُجَالِسِ وَزِينَةِ الْمَجَالِسِ، ج 1، ص 91.

2- داستان آن در سوره یوسف/42.

پروردگارا! شنیدی قول این دورا اینک آگاهم کن کدام یک افضل است؟ خداوند به او وحی کرد که: آنکه به من خوش گمان است برتر است. (1)

خوش گمان ها و خوش فکرها، نزد خدا محبوب تر اند.

عابدترین مرد زمین

حضرت یونس (علیه السلام) به جبرئیل گفت: عابدترین مردم روی زمین را به من نشان بده. جبرئیل او را نزد مردی برد که دست و پایش به خاطر بیماری جذام قطع شده و چشم و گوشش نیز از کار افتاده بود؛ باین حال به خدا می گفت: چندان که خواستی مرا از اعضای بدنم برخوردار کردی و آن زمان که خواستی، آن ها را از من ستاندی؛ اما امید مرا نسبت به خودت در من باقی گذاشتی. ای پیوسته نیکوکار و ای بسیار عطا و بخشش کننده. (2)

هنرمند واقعی کسی است که امیدش را در سختی ها نگه دارد.

از این ستون به آن ستون فرج است

هیچ وقت نباید ناامید شد. حتی لحظه ای کوتاه می تواند همه چیز را تغییر دهد. دل نگران و مضطرب مباش. دنیا را چه دیده ای؟! از این ستون به آن ستون فرج است. (3)

ص: 76

1- مشکاه الانوار، ص 36.

2- بحار الانوار، ج 82، ص 153

3- فوت کوزه گری، ج 1، ص 90.

مردی در سفر راهش را گم کرده بود. به کاروانسرای رسید. از قضا آن کاروانسرا محل دزدان بود آنان مرد بیچاره را گرفتند، مال و اموالش را غارت کردند و خودش را به ستونی بستند تا تیر بارانش کنند. مرد که از زنده ماندن و فرار ناامید شده بود گفت خواهشی دارم. گفتند: بگو.

گفت: مرا از این ستون بازکنید و به ستونی دیگر ببندید!

دزدها قهقهه سر دادند و پرسیدند چه فرقی بین این ستون و آن ستون است؟

مرد گفت: از این ستون به آن ستون فرج است.

او را باز کردند و به ستونی دیگر بستند. در همین موقع مأمورانی که در پی یافتن دزدها بودند به کاروانسرا رسیدند و بدین ترتیب دزدان دستگیر و مرد آزاد شد. (1)

لازمه امید، صبر و حوصله است.

کس نخازد پشت من، جز ناخن انگشت من

خودت باید آستین همت را بالا- بزنی و کارهایت را انجام دهی، زیرا کسی کمک نمی کند (یا نمی تواند کمک کند)؛ و تنها امیدت به خداوند باشد و به امید دیگران نشستن خواب و خیال است؛ و با بازوی و هنر خودت کارهایت را سر و سامان بده.

دو بلدرچین در کشتزاری آشیانه داشتند. روزی پرنده ی مادر آشیانه را به جوجه ی خویش که به تازگی پریدن آموخته بود سپرد تا بر بام خانه ی صاحب ملک بنشیند و از چگونگی آبیاری کشتزار آگاه شود. پرنده خبر آورد که صاحب کشت

ص: 77

1- فوت کوزه گری، ج 1، ص 90.

گرفتار است و یکی از همسایگان را مأمور آبیاری کرده است. بلدرچین مادر خطاب به فرزندش گفت «آسوده بخواب، آشیانه ی ما در امان است زیرا کسی برای آبیاری گامی بر نخواهد داشت.»

روز بعد، باز هم پرنده برای خبرگیری بر بام خانه ی مالک زمین نشست و این کار یک هفته تکرار شد و هر مرتبه شنید که کشاورز از دوستان و بستگان و همسایگان چپ و راست خود تقاضای کمک می کند اما همه بهانه می تراشند و عذرخواهی می کنند. روز هشتم قاصد خبر آورد که کشاورز نگران تباه شدن محصول خویش است و به خانواده اش گفته است که فردا، خود برای آبیاری کمر همت خواهد بست. بلدرچین مادر به فرزند خویش گفت: همین امروز از اینجا خواهیم رفت زیرا کشاورز از کمک دیگران نومید شده و خود تصمیم به انجام کار گرفته است.

کارت را خودت انجام بده به کسی دیگری واگذار نکن.

سیبی را که به هوا بیندازی تا برگردد، هزار چرخ می خورد

همه چیز در حال دگرگونی است و سرنوشت کسی را نمی توان پیش بینی کرد. از این رو باید به آینده امید داشت تا روی خوش دگرگونی و تغییر به انسان رو کند.

«متوکل» از خلفای عباسی مردی ستم گر بود. در زمان متوکل، ستم و آزار بر مسلمانان و تمام مردم به نهایت رسیده بود؛ و زندان ها پر از مردم بی گناه بود. در میان زندانیان جوان خوش سیمایی بود که جوانی او، دل فرمانده جلادان را به رحم آورد. او به آن جوان گفت: من دلم نمی آید تو را بکشم؛ اما دستور امیر است

و چاره ای نیست؛ ولی اگر خواسته ای داری، بگو تا در این لحظه های آخر آن را برآورده کنم.

جوان لقمه ای نان خواست تا رفع گرسنگی کند برایش آوردند و جوان با آرامش مشغول خوردن شد که همگی تعجب کردند.

فرمانده گفت: از کار تو سر در نمی آورم. چنان با خونسردی مشغول خوردن هستی که انگار سالیان دراز زنده خواهی ماند. جوان با خونسردی درحالی که یک دستش در ظرف غذا بود با دست دیگر سیبی را برداشت و گفت نگاه کن تا این سیب به هوا برود و برگردد هزار چرخ می خورد خدا داناست و توانا است شاید در این مدت هم اتفاقی بیفتد.

او این را گفت، سیب را به هوا انداخت و دوباره مشغول خوردن شد. هنوز سیب به زمین نرسیده بود که عده ای سوار، هراسان به میدان کشتار آمدند و فریاد زدند دست نگه دارید متوکل را کشتند! بدین ترتیب آن جوان بی گناه از مرگ نجات یافت. (1)

خدا سبب ساز است. کافی است اندکی صبر و امید داشته باشیم.

اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد

آدمی باید به خدا توکل کند و امید داشته باشد چراکه او روزی رسان است.

پادشاهی بود به نام اکبر. او افراد چاپلوس را خیلی دوست داشت. کاری می کرد که همه از او تعریف کنند. پشت در قصر او دو گدای کور بودند که هرروز صدقه ای از اکبر می گرفتند؛ و روزگارشان را می گذراندند. یکی از دو گدا برای

ص: 79

این که اکبر شاه خوشش بیاید، همیشه می گفت: «اکبر بدهد» اما گدای دیگر می گفت: «اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد».

اکبرشان تصمیم گرفت گدای دوم را تنبیه کند. مرغ بریانی را برای گدای اولی فرستاد و توی آن هم چند سکه طلا گذاشت. گدا، خوشحال شد و با صدای بلند فریاد زد «دیدم اکبر بدهد!».

گدای دومی هیچ ناراحت نشد. گدای اولی دلش نیامد هدیه اکبر را بخورد، آن را به قیمت ارزانی به گدای دومی فروخت. او هم مرغ را به خانه برد و با زن و بچه اش خورد و به سکه های طلا هم رسید.

فردا اکبر شاه به دیدن گداها رفت و دید گدای اولی همچنان می گوید «اکبر بدهد» اما گدای دومی خوشحال است و فریاد می زند «خدای اکبر بدهد» وقتی ماجرای مرغ را فهمید، به خودش آمد و گفت: «گدای دومی که چاپلوس نیست راست می گوید واقعاً اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد. من به او چیزی ندادم، ولی آنچه را که برای چاپلوس فرستاده بودم، خدا به دست گدای دوم می رساند».⁽¹⁾

نیمه ی اول عمر

در بنی اسرائیل، مرد نیکی بود که همسری نیک داشت. در خواب دید که به او می گویند: «خداوند برایت فلان مقدار عمر قرار داده است و نیمی از عمر تو در گشایش و نیم دیگر را در تنگی گذارده است. برای خودت نیمه ی اول یا نیمه ی دیگر را انتخاب کن».

ص: 80

1- فوت کوزه گری، ج 1، ص 138.

آن مرد گفت: من همسر نیکوکاری دارم که شریک زندگی من است. با او مشورت می‌کنم و وقتی برمی‌گردی، خبرت می‌دهم. صبح که شد، آن مرد به همسرش گفت: در خواب، چنین دیدم. زنش گفت: فلانی! نیمه‌ی اول را برگزین و در انتخاب عافیت بشتاب؛ باشد که خداوند بر ما ترحم کند و نعمت را بر ما کامل سازد. شب دوم که شد، آن که به خواب مرد آمده بود، آمد و گفت: «چه برگزیدی؟».

گفت: نیمه‌ی اول را برگزیدم. گفت: باشد؛ خواسته‌ات پذیرفته است».

چون نیمه‌ی از عمر {مرد} گذشت و از اندازه آن وقت، بیشتر سپری شد، او همان مردی را که در خواب دیده بود، دید و آن مرد به او گفت: «خدای متعال، کار تو را سپاس گفت و همه‌ی عمرت را مثل گذشته در گشایش قرارداد». (1)

بهترین جایگزین

روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود هرکسی به مصیبتی گرفتار شود و همان طور که خدا فرمود «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید و بعد بگوید «خدایا! مرا از این مصیبت نجات بده و جایگزین بهتری از آنچه از دست داده‌ام جایگزین کن» خدا در حق او چنین خواهد کرد. وقتی ابوسلمه (شوهر ام سلمه) از دنیا رفت. ام سلمه همان جمله را تکرار و از خدا خواست که جایگزین بهتری برای ام سلمه نصیبش شود. البته با خودش گفت: «دیگه کجا مثل ابوسلمه پیدا می‌شود؟» خدا هم

ص: 81

پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نصیب ام سلمه کرد؛ و وی چند ماه پس از مرگ شوهرش به همسری پیامبر (صلی الله علیه و آله) درآمد. (1)

درست است که گاهی بهترین را از دست می دهیم. ولی باید از خدا خواست تا بهترین از آن را نصیبمان کند. و هر کس از خدا خواست، خدا نیز درخواستش را بی پاسخ نمی گذارد.

امید حتی از اعماق جهنم

در روز قیامت، بنده ی گناهکاری را می آورند و خدا از او می پرسد «آیا من تو را به طاعت خودم فرمان ندادم و آیا تو را از معصیت خود باز نداشتم؟» آن بنده می گوید «چرا ای پروردگار من! ولی شهوت بر من چیره شده. حال اگر عذابم کنی به خاطر گناهان خود من است و تو بر من ستم نکرده ای». خدا فرمان می دهد که او را به دوزخ ببرند. آن بنده می گوید «خدایا، من چنین گمانی درباره ی تو نداشتم» خدا می فرماید «تو درباره من چه گمان می کردی؟» وی می گوید «گمان من به تو بهترین گمان بود» در این هنگام خدا فرمان می دهد که او را به بهشت ببرند و به آن بنده می فرماید «خوش گمانی تو به من، اینک به حالت سود بخشید». (2)

ص: 82

1- بحار الانوار، ج 47، ص 58.

2- بحار الانوار، ج 7، ص 288.

امیدوار به آنچه امیدی نیست

موسی بن عمران (علیه السلام) رفت که برای خانواده اش آتش برگیرد، ولی (در آنجا) خداوند عزوجلّ با او به سخن درآمد و سپس در کسوت (لباس) پیامبر بازگشت.

ملکه سبا نیز از کشور خود بیرون آمد، ولی با سلیمان مسلمان شد.

جادوگران فرعون برای تقویت قدرت فرعون بیرون آمدند ولی مؤمن برگشتند. (1) پروردگار مهربان دوست دارد رزق و روزی بندگان را از راه های که گمان و حدس نمی زنند برساند. آنچه مهم و ضروری است امید داشتن به اینکه همیشه کسی هست که نگاهش به ما است و همواره دست گیر و همیار ما در فراز و نشیب زندگی است.

حضرت موسی در بیان سینا رفت برای خانواده اش آتش (برای گرم شدن، پخت و پز) بیاورد که پیامبر خدا شد. (2)

ملکه سبا (پادشاه سرزمین سبا، بلقیس) برای آزمودن نزد سلیمان رفت که مسلمان شد. (3)

جادوگران برای پشتیبانی از فرعون و در مقابل حضرت موسی (علیه السلام)

سحر و جادو می کردند ولی مؤمن شدند. (4)

ص: 83

1- الکافی، ج 5، ص 83.

2- سوره مبارکه/ طه، 9 تا 13.

3- سوره مبارکه/نمل، 20 تا 44.

4- سوره مبارکه. اعراف، 104 تا 130.

دو نفر از جهنمیان به شدت فریاد می‌آوردند. و خدا می‌فرماید «آن دو را از جهنم بیرون آورید» چون بیرون آورده می‌شوند به آن‌ها می‌فرماید «برای چه چیزی فریاد سختی برآوردید؟» می‌گویند «چنین کردیم تا بر ما رحم آوری»

خدا می‌فرماید «رحم من بر شما این است که بروید و خود را در هر جای آتش که بودید بیندازید آن دو می‌روند و یکی از آن‌ها خود را در آتش می‌اندازد و خدا آن مکان را برای او سرد و بی‌گزند می‌کند؛ ولی دیگر می‌ایستد و خود را نمی‌اندازد. خدا می‌فرماید «چرا تو مانند دوستت خود را نیفکندی؟» می‌گوید «پروردگار! امیدم این بود بعد از بیرون آوردنم دیگر مرا به آن بازنگردانی» خدا می‌فرماید «امیدت برآورده شد» پس هر دو به لطف و رحمت خدا، وارد بهشت می‌شوند. (1)

خوش گمانی به خدا

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آخرین کسی را که دستور داده می‌شود به سوی دوزخ ببرند، ناگهان به پشت سر خود نگاه می‌کند. خداوند دستور می‌دهد او را برگردانند، پس او را برمی‌گردانند. خدا می‌فرماید: چرا به پشت سر خود نگاه کردی و در انتظار چه هستی؟ می‌گویند: «پروردگار! من درباره‌ی تو این چنین گمان نمی‌کردم». خدا می‌فرماید: «چه گمان می‌کردی؟» می‌گوید «گمانم این بود که گناهان مرا می‌بخشی و مرا در بهشت خود جای می‌دهی!»

ص: 84

خداوند می فرماید: ای فرشتگان من! به عزت و جلال و نعمت ها و مقام والایم سوگند، بنده ام هرگز گمان خیر درباره ی من نبرده است، اگر ساعتی گمان خیر برده بود، او را به جهنم نمی فرستادم، گرچه دروغ می گوید؛ ولی باین حال اظهار حسن ظن او را بپذیرید و او را به بهشت ببرید. (1)

خدا عاشق خوش گمان ها و خوش فکرهاست.

امید و نشاط کار

روزی حضرت عیسی (علیه السلام) پیرمردی را دید که مشغول سُخْم زدن زمین بود، حضرت دست به دعا بلند کرد و گفت؛ بارالها امید را از دل او بیرون ببر. در این لحظه پیرمرد دست از کار کشید. حضرت دوباره دعا کرد. بارالها او را با امیدواری پشت گرم فرما. عیسی دید که پیرمرد دوباره مشغول کار شد.

حضرت عیسی (علیه السلام) نزد پیرمرد رفت و از او علت کارش را پرسید؛ پیرمرد گفت؛ مشغول کار بودم که ناگاه به خودم گفتم؛ «تو به سن پیری رسیدی، دیگر نباید کار کنی» پس بیل را به زمین انداختم و دراز کشیدم.

اما لحظه ای بعد با خودم گفتم؛ به خدا سوگند تو تا زنده ای باید کسب و کار داشته باشی، پس برخاستم و دوباره بیل را به دست گرفتم و کار کردم. (2)

ص: 85

1- به نقل از دایره المعارف سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام)، غلامرضا حیدری ابهری، قدیانی، تهران، 1397.

2- بحار الانوار، ج 14، ص 329.

به امام صادق (علیه السلام) گفتند: «عده ای معصیت می کنند و می گویند «که ما { به لطف خدا } امیدواریم و روش اینان تا زمان مرگ چنین است» امام فرمود «اینان کسانی اند که در وادی آرزوها، به این سو و آن سو می روند. دروغ می گویند هر کس به چیزی امید داشته باشد آن را می طلبد و هر کس از چیزی بترسد از آن می گریزد» (1).

امید بدون عمل دروغ است. کسی که امید دارد همت و تلاش نیز دارد.

وسوسه ناامیدی دام شیطان

پیرمردی از اهل عراق خدمت امام صادق (علیه السلام) بود و با ایشان سخن می گفت: امام به وی فرمود: «چرا حرف زدنت غیرعادی است» او گفت: «دندان های جلویی ام افتاده و نمی توانم سخن بگویم» امام فرمود: «من نیز بعضی از دندان هایم افتاده است و گاهی شیطان مرا وسوسه می کند که اگر بقیه دندان هایت هم بریزد به چه وسیله ای غذا می خوری؟» پس من می گویم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (2).

از کارهای شیطان وسوسه و کِش و قوس دادن به افکار منفی است. بهترین راه جلوگیری از وسوسه های شیطانی و منفی پناه بردن به خدا و از او کمک خواستن است و اینکه بدانیم هیچ قدرت و نیروی جایگزین قدرت الهی نیست. کار

ص: 86

1- بحار الانوار، ج 78، ص 245. به نقل از دایره المعارف سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام، غلامرضا حیدری ابهری، قدیانی، تهران،

2- بحار الانوار، ج 66، ص 88.

شیطان تلقین نیروهای منفی است. و با امید به خدا می توان شاخ شیطان را شکست.

خیر است ان شاء الله!

میان بنی اسرائیل، خانواده ای در بیابان زندگی می کردند. آن ها (علاوه بر چند گوسفند) یک خروس و یک الاغ و یک سگ داشتند. خروس، آن ها را برای نماز بیدار می کرد، الاغ، وسایل زندگی شان را حمل می کرد و سگ نیز در آن بیابان، به خصوص در شب، آن ها را از درندگان حفظ می کرد.

اتفاقاً روباهی آمد و خروس آن ها را خورد. افراد آن خانواده، محزون و ناراحت شدند، ولی مرد آن ها که شخص صالحی بود گفت: خیر است ان شاء الله.

پس از چند روزی سگ آن ها مُرد، باز آن ها ناراحت شدند، ولی مرد خانواده گفت: خیر است ان شاء الله. طولی نکشید که گرگی به الاغ آن ها حمله کرد و آن را درید و از بین برد. باز آن مرد گفت: خیر است ان شاء الله. در همین ایام، روزی صبح از خواب بیدار شدند، دیدند همه ی چادر نشین های اطراف مورد دست برد و غارت دشمن واقع شده و خود آن ها نیز به صورت برده به اسارت دشمن درآمده اند.

مرد صالح گفت: راز این که ما باقی مانده ایم این بوده که چادر نشین های دیگر دارای سگ و خروس و الاغ بوده اند و به خاطر سروصدای آن ها شناخته شده اند و به اسارت دشمن درآمده اند.

ولی ما چون سگ و خروس و الاغ نداشتیم، شناخته نشده ایم، پس خیر ما در هلاکت سگ و خروس و الاغمان بوده است که سالم مانده ایم. [\(1\)](#)

نباید شتاب زده قضاوت و گمان کرد. کارهای خداوند بی حکمت نیست. شاید الان برای ما روشن نباشد ولی با صبر، حکمت آن آشکار می شود.

ص: 88

1- مَحَجَّةُ الْبَيْضَاءِ، ج، ص 92.

کتاب های که در زندان نوشته شد (حبسیه)

از بهترین و به یادگارترین کتاب ها، کتاب های است که در زندان و در اوج سختی و نبود امکانات نوشته شده است.

از جمله آن ها:

1. پایی که جا ماند، سید ناصر حسینی پور.

2. پرتویی از قرآن (جلد اول)، سید محمود طالقانی.

3. تاریخ فلسفه غرب، نجف دریابندی.

4. تفسیر راهنما، علی اکبر هاشمی رفسنجانی.

5. خاقانی، شاعر دوره سلجوقی.

6. شوهر آهو خانم، علی محمد افغانی.

7. عین القضات، فیلسوف و عارف، قرن 5.6.

ص: 89

8. اللّمعه الدمشقيه، محمد بن مكى، معروف به شهيد اول.

9. محمد خزئلى، 39 كتاب نوشته است. از جمله: احكام قرآن، شرح گلستان و شرح بوستان، دستور زبان جاويدان، نهج الادب...

10. مسعود سعد سلمان، شاعر دوران غزنوى.

11. ورق پاره هاى زندان، سيد مجتبى، آقابزرگ علوى.

12. هنر داستان نويسى، ابراهيم يونسى.

شُكر كه اين نامه به عنوان رسيد *** پيشتر از عمر به پايان رسيد (نظامى)

ص: 90

1. امید و رسانه، سید مجید امامی، حسین مهربانی فر، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، قم، 1392.
2. دایره المعارف سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام)، حیدری ابهری، غلامرضا، قدیانی، تهران، 1397.
3. فرهنگ ضرب المثل ها و اصطلاحات عامیانه، رحیمی نیا، مصطفی، گلپا، تهران، 1387.
4. فوت کوزه گری، رحماندوست، مصطفی، انتشارت مدرسه، تهران، 1386.
5. نان و نمک، حیدری ابهری، غلامرضا، محراب قلم، تهران، 1390.
6. نان و خرما، پوریزدی، رحمت، عهد مانا، تهران، 1398.
7. ماه و آب، مثل های فارسی در آینه حدیث، موسوی، سید محسن، دارالحدیث، قم، 1383.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

